



پروترهای جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۴

مهر - آبان
سال ۱۳۶۴



انتشارات حزب توده ایران

„Krieg der Sterne“ Niemals!

Raketen und
Weltraum-Waffen stoppen!

DKP



پوستر از حزب کمونیست آلمان

«جنگ ستارگان» - نه!

راه را بر موشکها و سلاح های کیهانی ببندیم!

iran-archive.com

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
علی خاوری	بیدادگری خونبار آنتی کمونیسم در ایران	۱۲ - ۳
هانریش گگس	فریدریش انگلس و مبارزه ایدئولوژیک معاصر	۲۳ - ۱۳
ریکورتیو د یباروش	مداخله مسلحانه به بهانه خطرناکی	۳۴ - ۲۴
آندره آس فانتیس	دروغ پردازی درباره "تجاوزکاری" کمونیسم	۴۴ - ۳۵
-	اجلاسیه مشورتی دبیران کمیته های مرکزی احزاب برادر کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی	۴۷ - ۴۵
نارای یاناکالیانا کریشنان	انتخابات و وضع سیاسی در هندوستان	۵۷ - ۴۸
-	علیه تفتیق و فشار رویکرد : موج ترور را متوقف سازید !	۶۰ - ۵۸
هانس بلیکس	کنترل بهره برداری از انرژی هسته ای امکان پذیر است	۶۵ - ۶۱
-	خبرهای کوتاه	۶۹ - ۶۶

بیدادگری خونبار آنتی کمونیسم در ایران

علی خاوری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب
توده ایران

بیش از دو سال از یورش سیمانه ارتجاع داخلی بر حزب توده ایران که با همکاری دستگاههای جاسوسی کشورهای امپریالیستی تدارک دیده شده بود میگذرد . این یورش از طرف ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران دقیقاً طراحی شده بود . پی آمدهای این حادثه شوم برای انقلاب شکوهمند ایران و مردم زحمتکش کشور ما ، دیگر جای هیچگونه سوالی و ابهامی در انگیزه سازماندهندگان و اجرا کنندگان این خیانت بزرگ به نفع ملی و مردمی میهن ما باقی نمانده است .

سیرغم مصالح ملی

در نخستین اطلاعیه ای که کمیته مرکزی حزب توده ایران به ناسپت این یورش منتشر کرد گفت میشود : " یاد آوری این واقعه بجااست که تاریخ چهل سال واند حزب توده ایران نشان داد ماست که بلا استثناء هر هجوم گسترده امپریالیسم بر مصالح ملت ایران ، استقلال و آزادی و دموکراسی کشور با حمله مستر تاسری آن علیه انقلابیون واقعی آغاز شده است . حزب توده ایران طی حیات سیاسی خود بارها بخواطر مواضع اصولی خود در دفاع از استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی مورد هجوم سیمانه گردانندگان سیاستهای استقلال شکن و ایران بر باد ده ، سیاست های خفقان و استبداد ، ضد ملی ضد کارگری و ضد دموکراتیک قرار گرفته است . هزاران نفر از اعضا و رهبران حزب یاد رزیر شکجه و سادار میندانهای اعدام و یاد رکشته های دسته جمعی بقتل رسیده اند ، بیش از ۲۰ هزار سال حزب پیکارگر سالهای زندان استبداد سلطنتی و سپس رژیم استبدادی ج . ا . ر . را بر خانه ها مستیر خود میکند . این درسی است که انقلابیهای نافرجام در سراسر جهان به همه پیوندگان راه استقلال و آزادی و پیشرفت

اجتماعی میآموزد که حمله به احزاب کمونیست و کارگری همیشه سرآغاز مسخ و شکست انقلابها بوده است تاریخ معاصر میهن ما خوب بخاطر دارد که بلافاصله پس از پورش سیحانه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ غیرقانونی کردن حزب بود که مذاکرات پنهانی بین ایران و انگلیس برای تداوم و تشدید استثمار و غارت نفت ایران آغاز گردید. در آن هنگام نیز مانند امروز حزب مزاحم غارتگری امپریالیستها باید از میان برده میشد تا برنامه های ضد ملی امپریالیست ها و دستیاران داخلی آنها نتواند اجرا شود.

در کودتای امریکائی - دربار علیه دولت ملی مصدق بازسپهر اصلی دفاع از نهضت ملی ایران، حزب توده ایران مورد پورش وسیع قرار گرفت و صد ها نفر از بهترین فرزندان میهن ما، اعضا، حزب توده ایران اعدام و هزاران نفر زندانها کشیده شدند. این بازنیو هدف وابسته کردن ایران به سیاستهای امپریالیستی، بازگرداندن ثروت های بیکران نفت به جیب انحصارهای چند ملیتی امپریالیستی و ادامه استفاده از ایران بشما به کشور نیروی کار آرزان برای استثمارگران نبود. همه این اقدامات ضد ملی و ضد دموکراتیک زیر عنوان مبارزه با خطر کمونیسم و خطر شوروی انجام شد و میشود. پس از کودتای امریکائی مرداد ۱۳۳۲ سقوط دولت ملی ایران در کمر مصدق لیدر جبهه ملی و نخست وزیر قانونی کشور زندانی و مسخا که کشیده شد. او که بازی ناپاکی را که دولت های امپریالیستی امریکا و انگلیس با نهضت ملی ایران تحت پوشش مبارزه با خطر کمونیسم و خطر شوروی کرده بودند بخیلی شناخته بود در زندان چنین نوشت: "در حسن نیت دول بزرگ (مصدق ایالات متحده امریکا و انگلستان را در نظر داشت. ع.خ. ۰) باید تردید کرد، زیرا کمونیسم را بهانه کرده اند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ماسو استفاده کنند" (۱).

شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی طی دو سال اخیر در کشور ما دامنه بی سابقه و خطرناکی یافته است و این خود گواه چرخش ضد حکام جمهوری اسلامی براساس تسلیم بلا شرط واقعی آنان در برابر پورژوازی بزرگ ایران است.

از نخستین روزهای پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی، امپریالیست ها رژیم تازه ایران را به این راه میکشاندند. در واقع فقط ز. بژننسکی مشاور سابق رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا بود که به وزیر امور خارجه توصیه میکرد لازم است جو سو، ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهوری گفته است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً از طرف اتحاد شوروی به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. تضعیف کونی روابط میان هردو کشور که ناشی از سیاست شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی تهران است

۱ - رجوع کنید به "دفاعیات دکتر مصدق" تهران ۱۳۵۹، صفحه ۱۱.

آب به آسیاب و اشکنگن میریزد. امریکاسمی دارد نتیجه پیشرفت رویداد ها در ایران بسود امپریالیست ها تمام شد. بود رجعت تا ایلات سیاسی و ایدئولوژیک آنها باشد. مشی محافظ حاکمه کشور مستقیماً با سیاست صلح و دوستی و احترام به حق حاکمیت ملی که اتحاد شوروی نسبت بمیهن ما در پیش گرفته مشاور است.

با توجه به تجارب گذشته و کونی با اطمینان میتوان گفت سیاست شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی بحق حاکمیت ملی و پیشرفت ایران زبان میزند. بر اقتصاد کشور تأثیر منفی میکند و متشدد میسند و استگی میهن ما به کشورهای سرمایه داری منجر میگردد. این سیاست بیزمان قابل توجهی به نزدیکی رهبران کونی تهران با منفورترین محافظ امپریالیستی که "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم اعلان کرد ماند و ضمن آن تلاش میکند استقلال و آزادی تمام کشورها و خلقها را پایمال نمایند. کمک میکند.

مختصراً علی را که موجب پیدایش چنین چرخش شد پدی براساس در مواضع حکام جمهوری اسلامی شده است بررسی کنیم.

پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ روحانیون با استفاده از اینکه حزب ما سوا سر نیروهای مترقی در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه ویگردد رژیم شاه شدید اضعیف شده بودند، عملاً حاکمیت سیاسی را به انحصار خود درآوردند. حزب توده ایران و طبقه کارگر بطور کلی در وضع بخرنجی قرار گرفتند. گروهی از روحانیون رهبری کشور را بدست گرفتند که منافع محدود طبقاتی و قشری - صنفی و نیز علاقه آنان به اسلامی کردن همه جانبه جامعه بالید و خواستهای مردمیکه برای انجام انقلاب ملی - دموکراتیک بها خاسته بودند در تضاد بود.

در جریان انقلاب مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بطور جدی تضعیف نشد، آنها با برخورداری از پشتیبانی کشورهای امپریالیستی توطئه پشت توطئه میآفریدند تا جمهوری نوپا را سرنگون سازند و بار رهبران آنرا وادار سازند از برخی از گامهای مثبتی که تحت فشار توده ها برداشته بودند صرف نظر نمایند.

حزب ما بنویسه خود میداندست که ضعیف ترین حلقه انقلاب رهبری جمهوری اسلامی ایران است زیرا این رهبری بعلمت محدودیت طبقاتی خود از آنکه بخود معای انقلابی که بیانگر منافع اکثریت ایرانیان بودند، امتناع میورزید و بدین ترتیب شرایط ضروری برای ایجاد دولت خلق واقعی بدست نیامد. در همین حال تعمیق چرخش براساس از طرف محافظ حاکمه جمهوری اسلامی از ترس آنان در مقابل اراده مردم به درگونی های بنیادی ناشی میگردد و همین پدید و به تلاشهایی منجر میشد که از رشد فعالیت خاص و واقعا انقلابی بهر قیمتی که شده، مانع بعمل میآید. پورژوازی تجاری نیز که نفوذ اقتصادی و متناسب با آن نفوذ سیاسی خود را بطرز چشمگیری افزایش داد، بود. آنان را بدین سمت سوق میداد

بمقتد و حزب مایگانه را مخرج اوضاع خطرناکی که در نتیجه سیاست محافظ حاکمه بوجود آمده بود، تشکیل
جبهه واحد از تمام نیروهای وفادار به انقلاب بود.

ولی رهبران جدید ایران بیشمارانه بوده هائی که مردم داده بودند، پشت کرده، چشمپوشی
چون آمیزه سرکوب نیروهای دموکراتیک و مترقی پرداختند. ضربه اصلی ارتجاع متوجه حزب توده ایران
بود، حزبی که طی تمام تاریخ خود نقش قابل ملاحظه ای در زندگی سیاسی و معنوی جامعه ایفا
کرده است. حزبی که منادی اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم بوده و همست و میکوشد آنها را در
انطباق با شرایط پهنج ویژه کشور گسترش دهد و تکامل بخشد. حزبی که انتشار اندیشه های پیشرو
اجتماعی و برخورد علمی به فلسفه و جامعه شناسی از خدمات برجسته آنست و حزبی که در بین اعضا آن
تعداد زیادی دانشمندان، نویسندگان و شاعران وجود دارد. زسم بزرگی در پیشرفت دانش و فرهنگ
خود ویژه ملی ادا کرده و میکند.

در فعالیت های حزب توده ایران عشق شدیدی به همپن با انترناسیونالیسم پرولتری بطرز
دیالکتیکی با هم تلفیق میگردد. حزب ما از منافع زحمتکشان و محرومین قاطعانه دفاع کرده و میکند. تحت
رهبری حزب توده ایران بود که بزرگترین اتحادیه کارگری در ایران ایجاد گردید و نخستین انجمن
کارگران نفت تحقق پذیرفت. حزب توده ایران دائماً بر ارتباط میان مبارزات در عرصه حیات سیاست
داخلی با مبارزه خلق های سیار صابحا و طرح و کاهش تشنج و مقابله با ارتجاعی که میکوشد اراده خود را
بر جوامع بشری تحمیل کند، تأکید مینماید.

حزب توده ایران پیشگام مبارزات استقلال ملی بوده است. فعالیت آن یکی از ضرایب
اساسی بیشتر نشستن انقلاب ضد سلطنتی بهمن ۱۳۵۷ بود و سپهر نشان خود را بر جریان و خصلت جنبش
شود مهاباتی گذارد. اکنون نیز بدون آنکه در زیر ضرباتی که بر آن وارد آمده بزانودر آید مساعی خود را
در جهت ایجاد جبهه واحد خلق و جبهه ای که بتواند از آرمان های انقلاب در برابر حیلالت ارتجاع داخلی
دفاع کند، متمرکز ساخته و موطئه های ضد ایرانی و دسائیس امپریالیستی را بطور خستگی ناپذیر فاش میکند.
علاوه بر "گناهان" ناپرده آنچه که ارتجاع را به "تصفیه حساب" علیه حزب برانگیزت
این بود که پس از استنکاف حکمرانان جمهوری اسلامی از تأمین خواسته های اقشار محروم جامعه پیشنهاد
مفخص علمی حزب برای ایجاد تغییرات بنیادی در جامعه جان به بزرگی در بین توده های محروم کسب
کرده بود.

موضع روشن و دقیق حزب ما که از انجام اصلاحات ارضی و صادرة املاک بزرگ مالکان
برقراری انحصار دولتی برپا زگانی خارجی دفاع میکند و مبارزه آن در راه قانون کار عادلانه با موظفه های
توخالی و جملهداری های عوام فریبانه مذموم است. حکومت در تضاد بود.

هر قدر آنها عملاً کثرت رفاه و آسایش مردم می اندیشیدند، به موظفه ها و لفاظی های آنان افزوده میشد.
وعدهای حکام جمهوری اسلامی مرتباً نکول میشد و موظفه های دعوت کننده هرگز به ترحم بر میشت.
رعایت اعتدال برای ثروتمندان غارتگر و عوت به صبر و تحمل و ترجیح دادن "معنویات بر مادیات" و
"آخرت بر دنیا" برای توده های محروم جای وعده های زمین اولیه را می گرفت. تاجانیکه خانه ای
رئیس جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد "انقلاب فاصله میان طبقات و قشرها را برداشته است؟"
رهبران جمهوری اسلامی با اینگونه اظهارات هرچه بیشتر خود را در مقابل مردم افشا میکردند.
حزب توده ایران ماهرانه ماهیت در زمین وعده های محافظ حاکم برای بهبود وضع اجتماعی - اقتصادی
اهالی را بر ملا می ساخت و ظل وضع بحرانی و عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی کشور را تشریح مینمود.
باین ترتیب توده های زحمتکشی کشور ویژه طبقه کارگر امید خود را به وعده های توخالی حکام جمهوری اسلامی
از دست میدادند.

چنانکه کشید انهم پرورس محمد و در کردن فعالیت حزب توده ایران بلافاصله پس از انقلاب توسط
حکام انحصارگرای جمهوری اسلامی شروع شده بود. رهبران جمهوری با درک این واقعیت که افزایش
جان به برنامه های اجتماعی - اقتصادی حزب توده ایران محدود و نفوذ آنان را تنگتر میکند با سرسختی
بیشتر مانع تراشی در راه فعالیت کونینستی پرداختند. به بهانه های ساختگی و تحریکها و محدودیت
ها علیه مراکز سازمان ها و مطبوعات حزب افزایش میباید و بازداشت اعضای حزب در نقاط مختلف کشور بسا
حمایت و هدایت مسئولان امر اجرا میشد. گروههای چنانی بدست از افراد متعصب مذموم بنام "حزب
اللهی" مجری این برنامه بودند و بدون اینکه مقامی مسئولیت این قبیل اقدامات قانون شکنانه
را بعهده بگیرد.

ارتجاع که بخوس میدانست مطبوعات حزب چه نقش مهمی در ابرود فاع از انقلاب ایفا میکند
یکسال پیش از حمله سراسری به حزب، ارگان مرکزی مطبوعاتی آن یعنی "نامه مردم" (۱) را توقیف
کرد. دفتر مرکزی حزب از وسال قبل از نورس توسط "حزب الله" اشغال و تاراج شد، کتابخانه
ذیقیت آن بختار رفت. بیش از ۳۰۰ نفر از اعضا و کارهای حزب را در زندان وزیر شکنجه و بدون
کوچکترین ارتباطی با جهان خارج برای پروردن سازی علیه حزب زرفشار قرار دادند.

همزمان با آتش گسترده تدارک و اجرای حمله بر حزب و دیگر سازمانهای مترقی کشور و زوش
آن کوشش زیادی برای بازگرداندن املاک و ثروت های کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ زمینداران وابسته
و ضد انقلابی بعمل میآمد. شورای نگهبان قانون اساسی که از مرجع ترین عناصر برای کنترل و نظارت بر

۱ - از سال ۱۳۵۸ ارگان مطبوعاتی حزب توده ایران "نامه مردم" نامیده میشود. نام این روزنامه
پیش از آن "مردم" بود.

امرقانونگذاری ایجاد شده است و در واقع با وجود خود به استبداد قرون وسطائی محتوا و شکل مشخص میدهد. هر نوع قانونی را که بنحوی از منافع زحمتکشان و هر چند بسیار ضعیف دفاع میکرد و رد مینمود. یورش به حزب برای ارتجاع داخلی لازم بود تا اولاً ناراضی شدید و عمومی را از مسائل بحران حاد اجتماعی و اقتصادی از مسیر اصلی آن منحرف سازد و ایجاد رعب و وحشت کند و بقایای دموکراسی را که افشاگر سیاستهای خائنانه نسبت به انقلاب بود برپا دهد و بدین ترتیب خود را از یزید روزافزون خشم مردم در امان نگاهدارد.

حکام جمهوری اسلامی افشای مش سیاست ارتجاعی خارجی جمهوری اسلامی را از طرف حزب توده ایران " گناه کبیره بشمار میآوردند. آنها نسبت به جمهوری دموکراتیک افغانستان موضع خصمانه ای اتخاذ کرده و در سیاست های غلط خارجی از جمله جنگ ویرانگر با عراق که دیگر تنها انگیزه صدور شیوه حکومتی اسلام نوع فقهی را در خارج از ایران دایت و پافشاری میکردند.

در چنین شرایطی حزب نه تنها برای ارتجاع و سرمایه داران بزرگ داخلی غیر قابل تحمل گردیده بود بلکه برای انجام نقشهای امپریالیستی و پیرو امپریالیسم امریکادار ایران نیز به سدی جسّدی تبدیل شده بود. این مجموعه در آخرین تحلیل و موجب یورش مستقیم رژیم علیه حزب با همه ابزار سرکوب فیزیکی و روانی بمقیاس گسترده و سرتاسری گردید.

طبقات دوزخ زندان

سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و پیرو انتلیجنس سرویس انگلستان و سیا و موساد با تلاش مشترکی دست بدست ما و اجا (سازمان اطلاعات جانشین ساواک دوران شاه) برای سرهم بندگی کردن " اسناد و مدارک " علیه حزب کوششهای فراوانی کردند. ولی از آنجا که چنین " اسناد و مدارکی " واقعیت خارجی نداشتند و نیاز مبرمی به " اقرار " و " اعتراف " متهمین لازم آمد.

طی مدتی که نیاز داشت رفقای ما و سایر مبارزان انقلابی و شرقی در زندانهای رژیم اسلامی میگردد باندازه کافی اطلاعات و شواهدی بخارج از زندانها راه یافته است که عمق جنایتی را که سرکوبگران جمهوری اسلامی انجام داده اند روشن کند. در جمع بست خصلت و شیوه این شکنجه ها باید بگوئیم که در اینها ترکیبی از تجربه شکنجههای قرون وسطائی محاکم تغشیش عقاید با شیوههای فاشیستی در نمایش گشتاپوی آلمان و سادیست های امریکائی در ویتنام و اشغالگران اسرائیلی در اراضی اشغالی اعصاب اعمال میشود.

هدف دژخیمان شکستن روح و جسم قربانیان و تسلیم بی قید و شرط آنان به اراده و خواست

شکنجهگران است. زندانبانان اغلب زندانیان را کاملاً از امکان دیدن و شنیدن و تماس با محیط خارج محروم ساخته و ماهها چشم های زندانی را می بندند و آنها را از نور و روشنایی محروم میکنند. گهگاه چشم آنها را باز میکنند تا بدان نتیجه و اثر این تجربه رانشان دهند: هر بار قربانیان این فجایع احساس میکنند که میزان بیشتری قدرت بینائی خود را از دست میدهند و در آستانه نابینائی قرار گرفته اند. زندانیان را به انواع وسائل تحقیر میکنند و با شلاق های سیمی میزنند و ناخن آنها را میکشند و بزهر ناخن آنها سوزن فرمی میکنند و استخوانشان را می شکنند و آنها را برهنه روی بخاری الکتریکی مینشانند پوست آنها را می کشند و خوششان را تا حد بییهوشی می کشند و آنها را معلق آویزان میکنند و سپس شلاق میزنند و قسمت های حساس بدنشان را تحت تأثیر جریان الکتریک قرار میدهند. موارد بسیاری تجاوز به زندانیان دیده شده است. دژخیمان بمنظور ایجاد اختلال در فعالیت عصبی زندانیان از مسود شیمیائی استفاده میکنند و بمنظور ترساندن زندانیان رفقایشان را در برابر چشمانشان اعدام و تیرباران میکنند. اغلب صحنه های مصنوعی اعدام ترتیب میدهند.

این فهرست فاجعه آمیز نمیتوان با زهم ادامه داد. تمام این فجایع به خواست و اراده کسانی انجام میگردد که خود را " منادیان عدالت " و " مبارزان " پیروزی ایمان بر کفر " می نامند.

با آنکه در قانون اساسی کشور تصریح شده است که کسب اقرار و اعتراف به کمک زجر و شکنجه مردود است و رژیم به هیچوجه ارتکاب به این عمل در جمهوری اسلامی را پنهان نمیسازد. رجائی خراسانی نماینده رژیم در سازمان ملل متحد صراحتاً اعلام داشت که دولت ایران مدعی مراعات حقوق بشر نیست و اعلامیه حقوق بشر و دیگر اسناد نظیر آن برای حکام ایران معیار تصمیم گیری نمی باشد. رجائی خراسانی با صراحت بیشرمانه ای افزود: " خواهش داریم ما را برای چیزی که بر رسمیت نمی شناسیم مورد انتقاد قرار ندهند ". بنقیده و رهنجانی رئیس مجلس از آنجا که اسلام تنبیه و مجازات بدنی را قبول دارد و شیوه های بازجویی که در مورد زندانیان اعمال میگردد و نمیتواند شکنجه نامیده شود. بر این پایه است که " ابزار کار " شکنجهگران در زندان مرکزی اوین و دیگر زندانهای ایران که بیش از ۱۰۰ هزار نفر زندانی سیاسی را در راجع جبهانیان به صلابه کشیده اند و عبارتند از آتش، آهن و درفش و شلاق و کابل های سیمی و چاقو و غیره میباشد.

این فهرست گها ترمیشود اگر بیاد بیاوریم: امیر انتظام نماینده دولت موقت بازرگان (که پس از سرنگونی رژیم سلطنت تشکیل گردید) بموقع خود دستگاه دولت را به استفاده از آلات و ابزار ویژه ای که ساواک در اختیار دارد و میلیاردها دلار در دوران شاه برای خرید آنها بصرف رسیده و فسر خواند (۱).

در فروردین ۱۳۵۸ روزنامه " مردم " نوشت: " سازمان امنیت جدید کار خود را با فعالیت

ضد کمونیستی آغاز کرد و است (۱) . باین ترتیب از نخستین ماههای پس از انقلاب بخش حرفه ای ضد کمونیست ساواک و باهنه امکانات و ابزار و وسائل آن و از جمله متخصصین اصلی تربیت شده آن در امریکا و اسرائیل که شیوههای مدرک و سند بازی و گرفتن " اعتراف " را آموخته بودند در ساوا و اجاد غلام و در خدمت دفاع از سیاست های جمهوری اسلامی و در جبهه سرمایه بسیار به طبع کمونیسم پرداختند .

بیهود ضمیمت کبد نیال پرورش به حزب توده ایران احتیاطاً محافل سیاسی و اقتصادی غرب نسبت به رژیم تازه ایران افزایش یافت . این نکته از جمله در جریان دیدار سران هفت کشور بزرگ سرمایه داری در ویلیامسبورگ (سال ۱۹۸۳) بازتاب یافت و در آنجا چرخش بر است - سیاست رهبران جمهوری اسلامی مورد پشتیبانی کامل و استقبال قرار گرفت . پس از نمایان این دیدار بسیاری از نمایندگان غربی که از ایران بعنوان رژیم در حال احتضار نام میبردند ، به کمور ما بچشم سود آورترین بازار خاور میانه مینگرند .

دوماً بجهت پس از پرورش به حزب این خرید و مطبوعات امریکا انتشار یافت که برغم تحریم فروش همه نوع اسلحه به ایران ، طبق اطلاع وزارت امور خارجه صد ها میلیون دلار اسلحه امریکائی به ایران فرستاده شده است (۲) .

مکانیسم تهمت و افتراء

حزب توده ایران طی سالهای دراز علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه کرده است و دشمنان بخواهی میدانستند حزب مارا که بطوریکه از آزادی و استقلال و حقوق زحمتکشان دفاع کرده و شکجه وزندان بزانود نخواهد آورد ؛ آنان بپهوسراس خود را از نیروی جاد بصواضع روشن و دقیق حزب توده ایران پنهان نمیکردند . این ترس و وحشت بطور مثال از سخنان آیت الله جنتی و عضو شورای نگهبان قانون اساسی که کثراً بیک هفته پس از حمله به حزب به زبان آورد و نمایان میگردد . او علناً مجبور شد بخنبر و نفوذ حزب در ایران اعتراف نماید ؛ " آنچه اینجا ارزش و اهمیت دارد این است که اینها مدتها کار فکری و فرهنگی کرده بودند و در این مملکت مدتها خط فکری بوجود آورده بودند . اینجا یک عده بنام دلسوزی برای مردم فقیر و بیچاره این خط را معرفی میکردند و با عده ای که از دست مستکاران بعتنگ آمده بودند و از روی عقیده و بسیاری معتقد بودند که اگر بخواهیم از کارگرو کشاوری از ضعیف و بیپنا حمایت کنیم باید در این سنگر بنشینیم و سنگرد بگری وجود ندارد " (از خطبه نماز جمعه ۱۳۶۳) . در همین حال جنتی مانند دیگر حکام جمهوری اسلامی میکوشد حلقه اساسی و اصلی اختلاف

۱ - " مردم " ۲۲ فروردین ۱۳۵۸
 ۲ - " تایم " ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۳

با این خط فکری را اختلاف نظر بین دو مکتب فلسفی متضاد معرفی کند . در همین اینکه ضد آخوند طبقاتی فعالیت حزب را که هدفش برقراری عدالت اجتماعی است تحریف مینماید .

عوامل بیان حرفه ای به حیات خود علیه مبین پرستان واقعی شکل و رنگ مذ هین میدهند . ولی اینک در برتوز شد آگاهی سیاسی مردم طی سالهای انقلاب و تجربه مبارزه ای که گرد آمده و رشد فکری لایز برای درک تضاد و اختلاف نظرهای بفرانج سیاسی واید نولوژیک و ارتجاع دیگر قادی نیست علیه حزب مانند گذشته تمهابه استفاده از زبانکاری و نیرنگ هائی که در زمین و فضا مذ هین پنهان ساخته اکتفاء کند . بیسوم سبب است که گروهی از روحانیون مرتجع علاوه بر اتهامات " مستن " علیه حزب توده ایران و از نوع الحاد و بی دینی " جاسوسی " رانیز بدان ها افزونند .

هم در این زمینه است که حزب مارا به " وابستگی " به جنبش کمونیستی و کارگری جهانی متهم میسازند . در مورد این اتهام در بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران (اردیبهشت سال ۱۳۶۲) ضمن افشای دروغهایی که از مراکز تبلیغاتی ایران بخش میشود خاطر نشان شده است ؛ " افسانه هدایت سیاست حزب از طرف مسکو بود اخله احزاب دیگر را مورد حزب توده ایران هیچ " افتخار " جدیدی برای مبتکران آن در جمهوری اسلامی ایران و گردانندگان این خیمه شب بازی بیارنسی آورد . این " افتخار " متعلق به اسلاف شکجه گران امروزی هیتلر و موسولینی و امثال آنها است . وجود تشابه سیاست حزب ما با احزاب و سازمانهای برادری معنای وابستگی و دنباله روی حزب توده نیست . ما نمیتوانیم برای اثبات باصطلاح استقلال خود با سیاست صلح و دوستی کشورهای سوسیالیستی و احزاب برادری و رادیکال برادرانه آنها به جنبش های آزاد بیخشن ملن و از جمله حمایت آنها از انقلاب مبهیمان مخالفت کنیم و تا امپریالیسم جهانی وصال داخلی آن اجازت مستقل نامیدن مارا صادر کنند " .

رقای زندانی مارا علناً از هر حق محروم کرده اند . در خیما بپهوسرمانه اعلام کرده اند که بپدینان حق دفاع دارند . رژیم با محروم کردن زندانیان سیاسی از امکان استفاده از وکیل مدافع و سایر بندی کردن باصطلاح محاکمه در پشت درهای بسته سخنپردازی مفتضحانه " اعترافات " تلویزیونی رانیز ترتیب داد . این " اعترافات " بیک شکجه های قرون وسطائی و اعمال فشارهای روانی و استفاده وسیع از مواد شیمیائی برای درهم شکستن مقاومت و سلب اراده از آنان گرفته شده است . در همین حال ترتیب دهندگان صحنه پردازی مفتضحانه محاکمات کوشیدند به " قوه قضائیه " بنام عدالت اسلامی " صورت ظاهراً باصطلاح " استقلال " از قوه مجریه بدهند . با اینهمه سخنان گردانندگان رژیم از " مدارک و اسناد " و " اقرار و اعترافات " متهمان بنا بر مثل معروف تنها به قاضی رفتن و خوشحال برگشتن است . در واقع هم رژیم تنها به قاضی رفته است و زیرا از قربانیان خود هرگونه امکان و حق را برای افشای اکان پ منتسبه به آنان سلب کرده است .

بررسی و تحلیل فیلم های تلویزیونی "اعتراف قربانیان" که توان اندیشیدن و قضاوت از آنها گرفته شده است، خود گواه استفاده از آخرین "دستاورد های" داروسازی کشورهای سرمایه داری است. متخصصین پزشکی و روانپزشکی با بررسی دقیق این فیلم ها با اتفاق آراء برای عقیده هستند که خصلت حرکات اعضای صورت زندانیان و وضع سخن گفتن آنان تردیدی باقی نماند که علیه آنها مواد شیمیایی که روی اعصاب و روحیه آنان تأثیر میگذارد، بکار گرفته شده و موضوع غیر انسانی شکیبایی شده اند.

بطوریکه در نامه اعتراض آمیز فرزند راسیون سندیهای کارکنان بهداشت و سیستم خدمات فرانسه که به سفارت ایران در پاریس ارسال شده، گفته شده است: "میلیون ها فرانسوی شاهد "اعترافات" بودند که بکمک فشارهای جسمی و روانی گرفته شده است. کاملاً روشن است که زندانیان تحت تأثیر مقدار فراوانی مواد شیمیایی بوده اند که شخصیت آنان را درهم شکسته است...".

بسیاری از سازمانهای مترقی و از جمله کمیته حقوقدانان دموکرات فرانسه، ۱۹۶۶ تن از حقوقدانان آلمان غربی و دیگران اظهار آماجگی کردند که نمایندگان خود را در ترکیب گروهی از پزشکان و حقوقدانان و روزنامه نگاران به ایران بفرستند تا با وضع زندانیان سیاسی و از جمله اعضای حزب توده ایران آشنا شوند. ولی حکام جمهوری اسلامی از بیم اینکه خبری از بی قانونی که در زندانهای ایران حکمفرماست بخارج درز کند، این پیشنهاد را رد کردند.

گردانندگان رژیم برای با اصطلاح "اسلامی کردن" کشور بر پایه احیای نظم و نسق زندگی قرون وسطایی از مرامات قواعد و موازین انسان دوستی و اخلاقی امتناع میورزند. لاجوردی دادستان سابق دادگاههای "انقلاب" تهران رئیس سابق زندان اوین در یکی از مصاحبه های خود آشکارا گفت برای شکوفائی اسلام در این سرزمین حداقل میتوان تا یک میلیون نفر را به هلاکت رساند. آیت الله خویی رهبر جمهوری اسلامی در مقام رهبری روحانیت و حاکم و نماینده ایدئولوژی کل رژیم طوسی صحبت در جمعی از مسئولان کشور "میهمانان خارجی" که اگر اجماعیت پیشگان روحانی نمای افغانی بودند که در دشمنان تار مرقق به خون هموطنان بیگناهشان آغشته است صراحتاً قتل و شکنجه و جاسرانیت به کسانی که بقول او صلح نیستند روا میداند و میگوید: "۰۰۰ شماره قرآن عمل کنید. قرآن با اشخاصی که سلطنت و معتقدند، ایمان به خدا دارند به برادری رفتار میکند، با اشخاصی که برخلاف این هستند آنها را میکشد، بکشید، بزنید، حبس کنید".

چگونه ممکن است این قبیل موضعگیریهما را با نظریات و اقدامات انکولیزمیون (دستگاه تفتیش عقاید) دوران های تاریخ قرون وسطای اروپا که دگراندیشانی را که کلیسا ملحد و بنیادین بشمار میآورد شکنجه و نابود میکرد، مشابه و یکسان ندانست. اینک در پایان قرن بیستم، حکام جمهوری اسلامی ایران نیز به اتکا سرنیزه و دلاره های عاید شده از نفت همینطور عمل میکنند. بقیه در صفحه ۵۷

فریدریش انگلس و مبارزه ایدئولوژیک معاصر

هاینریش گنکف

پروفسور، معاون رئیس دانشگاه
مارکسیسم - لنینیسم جنبه کمیته
مرکزی حزب سوسیالیست متحد
آلمان

جنبش کمونیستی و کارگری جهانی امسال یاد بود روزهای تاریخی را که بانام فریدریش انگلس ارتباط دارند برگزار میکند: ۲۸ نوامبر صد و شصت و پنجمین سالگرد تولد او و اوت نود و هفتمین سالگرد درگذشت انگلس است.

انگلس در وصیت نامه خود اظهار تمایل کرد که مراسم تدفین او در جمع کوچکی برگزار گردد. به همین سبب کسانی که روز هم اوت سال ۱۸۹۵ در مراسم مجلس ختم او در مرکز لندن گرد آمدند نزدیک به ۸۰ نفر بودند، ولی آنها نمایندگان ارتش پرولتاریای انقلابی جهانی بودند که در آن هنگام دیگر تعدادش به یک میلیون نفر میرسد. آ. پیل و و. لیبکشت، و. زاسولویچ و پ. لافارگ. ا. مارکس - اولینگ و آ. آنسل سوسیالیست های انگلیسی، هلندی، لهستانی و آلمانی از جمله آنها بودند.

احساسات و تأثر همگان را در سخنرانی کوتاهی لیبکشت ابراز داشت. او گفت: "از هنگامی که کارل مارکس را از دست دادیم تا کنون چنین ضربه ای بر ما وارد نیامده بود. یاد درگذشت فریدریش انگلس مارکس برای ما روزی بزرگ بود. تعداد کسانی که بر ما را انگلس گرد آمده اند زیاد نیست. ولی، اگر تمام کسانی که این فکرشان با ما است به اینجا آمده بودند میلیونها و میلیونها میشد و تمام لندن نمیتوانست آنها را در خود جای دهد" (۱). در سخنان لیبکشت مبالغه ای ناشی از حسن نیت نبود. صد ها مقاله در مطبوعات کارگری جهانی، دهها میتینگ سوگواری در بسیاری از کشور

1 - Ihre Namen leben durch die Jahrhunderte fort. Kondolenzes und Nekrologie zum Tode von Karl Marx und Friedrich Engels. Berlin 1983, S. 332.

در اینجا باید به انگس اعتراض کرد. او ردیف بقیه نبود. او یکی از بنیادگذاران و ایجادگران کمونیسم علمی و همکار مارکس در دهه های سرنوشت ساز خلافتیشان بود. او متفکری از همان ردیف و در همان سطح بود که مارکس قرار داشت. او خلق و خوی دیگری داشت ولی بهمان اندازه شخصیتی ناهفه بود. این سخنان لنین را با خاطر بیاوریم که گفت: " نام مارکس و انگس را بمنزله نام بنیادگذاران سوسیالیسم معاصر بدستی در کنار یکدیگر قرار میدهند " (۱) .

جهان بینی علمی که بوسیله مارکس و انگس پایه گذاری شد و رسالت تاریخی طبقه کارگر را آشکارا میکند در زندگی معنوی جامعه بشری انقلابی بوجود آورد. تأثیر مارکسیسم تعیین کننده مضمون عمده تمام درگیریهاد رخصه ایدئولوژی در سالهای بعد است. مارکسیسم مزه رسان پیدایش ژرف ترین تحولات در مناسبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک گردید. از زمان انتشار "مانیفست حزب کمونیست" جهان بینی علمی طبقه کارگر در راه پیروزیهای بی نظیری به پیش میروید. در پی توفعالیت احزاب کمونیست و کارگری اندیشه های مارکس و انگس ادامه دهند کار آنان لنین در فکرون هن توده ها جایگزین گردیدند و در مبارزه علیه استعمار، ستم و جنگ، در راه صلح، عدالت اجتماعی، آزادی و انسان دوستی واقعی، پیروزی مادی مبدل شدند. توده های مردم همواره نیروی محرک پیشرفت تاریخی بوده اند، ولی از لحظه پیدایش مارکسیسم مبارز آنها کیفیت تازه ای کسب کرده است. آنها برای نخستین بار آفرینندگان آگاه تاریخ خود شدند. زندگی هر روز بر این گواهی میدهد که اندیشه های مارکس و انگس و لنین در دوران ما هم کاملاً بیرویه قوت خود باقی هستند، اگرچه آفرینندگان آنها چند نسل پیش از ما زیسته و مبارزه کرده اند. این را دشمنان ترقی، مخالفان مارکسیست ها و ضد کمونیست ها هم بشوید خود و بطور عجیبی تأیید میکنند. در دهها سال آنها تلاش کردند مارکسیسم را بمنزله آموزشی "بی شمر"، "کهنه" و حتی " مرده " از حساب خارج کنند. ولی اینک باز آنها به " جنگ صلیبی " علیه سوسیالیسم موجود و ایدئولوژی آن، علیه مارکسیسمی که گویا " مرده " فرامی خوانند. پیشوای آنسوی اقیانوس آنها با فضل فروشی بی مایه ای اعلام کرد که قصد دارد مارکسیسم را " بمنزله دان تاریخ افکند " (۲) . اینک چهل سال پس از پیروزی برفاشیسم هیتلری بجاست یاد آور شویم که آنش کمونیسم کسور بملغان آنرا در گذشته بجهه سرنوشتی د جبار کرد.

مشئ ایالات متحده آمریکا و ناتود رجعت روهاروشی با کشورهای سوسیالیستی و مسابقت مسلحانه با افزایش چشمگیر جریانهای محافظه کارانه در ایدئولوژی بورژواشی همراه است. این پدیده در

۱ - و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۲۴، صفحه ۲۶۹ .
2 - Wireless Bulletin from Washington. Bonn, 9, Juni 1982.

تحریف های مارکسیسم و انتقاد بورژواشی آن هها زتاب مییابد. در این انتقاد هم مانند مجموعه ایدئولوژی بورژواشی معاصر چرخش شدیدی بسوی فلسفه عدم اصالت عقل، تبلیغ اوها م اجتناب و تبعیت بدون قید و شرط از منافع ارتجاهی ترین محافظ سرمایه انحصاری شدیدی نمایان گردید. این گرایش در عدم پذیرش بی اساس و پرخاشجویانه مارکسیسم، در تلاش برای بی اعتبار ساختن آن، قلمداد کردن مارکسیسم بمنزله آموزشی از قماش جریان های مذ هبی و تئوری حاکمیت درکوشش مارکس شناسان و مقدم برهم نشوونوتویست ها (طرفداران اصالت علوم تجربی)، در جهت تصویر و تجسم تئوری مارکس و انگس بمنزله تئوری غیر علمی و در تلاش های بی بند و بار منظور بی ارج و اعتبار ساختن خوب ایجادگران آن بروز میکند. ما شاهد جریان های هستیم که بموقع خود انگس ضمن جربوحت با تارک اندیشان دوران خود مورد توجه قرار داد. او ضمن معرفی و تشریح تاریخ نویسی بورژواشی نوشت: " بورژوازی همه چیز را بنا بر این تاریخ را هم به کالا مبدل میکند. با تقضای خود سرشت آن و شرایط موجود پشتر تحریف و جعل هر کالائی از ویژگی های آنست: بهمین سبب تاریخ را هم تحریف کرد. چنانکه میدانیم آن اثر تاریخی گرانبهار تر از شباهتی میشود که تحریف تاریخ در آن هر چه بیشتر یا سخگوی منافع بورژوازی است " (۱) .

تحریف کنندگان مارکسیسم که جناح محافظه کار را تشکیل میدهند با شدت ویژه ای روی قانونمندی های عینی پیشرفت اجتماعی که مارکس و انگس کشف کرده اند آتش می کشانند. در ضمن در توصیف آخرین جامعه استعماری که از لحاظ تاریخی عمرش را بپایان رسانده و معا یب آنرا (اگر بطور کلی آنها را قبول داشته باشند) ناشی از نقص سرشت و طبیعت آدمی میدانند، مبالغه میکنند. منسقد بین محافظه کار مارکسیسم، " ناهود کنندگان مارکس " از موضع مغایر عقل (عدم اصالت عقل) و نفی نقش توده های مردم در تاریخ عمل میکنند.

بطوریکه میدانیم نقش انگس در این است که او همراه با مارکس برای نخستین بار پیشرفت جامعه بشری بر پایه درک دیالکتیکی - ماتریالیستی تاریخ را بطور علمی روشن ساخت و بدین ترتیب اصالت اندیشه (ایدئولسم) و مذ هب و هر نوع عدم اصالت عقل را از جهان بینی طبقه کارگر دور کرد. برغم اینها، اعلام مارکسیسم بمنزله مذ هب خالص یا آموزش دینی و پیامبری برای بشریت، یعنی کاری که ایدئولوگ های محافظه کار انجام میدهند، به یک سخن و نظریه ای بوج بی معنسی بیش نیست. در ضمن باید گفت چنین برخوردی هم چیز تازه ای نیست. صاحبان این نظریه پیشکسوتانی در سیمای نشوونوتویست ها و طرفداران کانت در سالهای ۲۰ (نشوونوتویست) (آثار

۱ - ک. مارکس و ف. انگس. مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱۶، صفحه ۵۲۴ .

اندیشه های بنیادگذاران کمونیسم علمی است .

بطوریکه پراتیک نشان میدهد جامعه سوسیالیستی برهبری حزب مارکسیستی-لنینیستی تمام امکانات را برای ساختن سوسیالیستی موفقیت آمیز در شرایط اقتصادی و سیاست خارجی بفرنج ترسالمهای ۸۰ دارد . در جریان پیشرفت سوسیالیسم نیروهای خلافت فوق العاده زیاد توده ها آشکارا بروز میکنند و اهمیت عام وصحت اندیشه های مارکس وانگلس نمایان میگردد . استواری هرچه بیشتر همین سوسیالیستی بمنزله بخشی از جامعه کشورهای سوسیالیستی ، در همین حال بمثابة مهمترین سهم مادر مبارزه در راه صلح است که در عرصه بین المللی جریان دارد .

اندیشه های یاری رساننده به حفظ صلح

از میان بسیاری از اندیشه های تئوریک و اقدامات علمی انقلابی انگلس که از تاثیرشان در پیشرفت جهان کاسته نشده و نخواهد شد میخواهم وصاتی ای اور بار مبارزه در راه صلح ، این مسئله عمده دوران مارا یاد آور شوم . بویژه که اینک چندین سال است این مسئله در مرکز تحریف بین المللی مارکسیسم قرار دارد . از جمله این نظریه را به مارکس وانگلس نسبت میدهند که گویا هر نوع جنگی صرف نظر از علل درگیری و هدفهای وسیله فاطمی برای آنست که انقلاب پرولتری سراسر جهان را در برگیرد . بطوریکه ر . فریدنتال در زندگیتابه ای که برای مارکس ترتیب داده اظهار نظر میکند ، بنیادگذاران کمونیسم علمی تا آخرین روز زندگی خود گویا امید وار بودند که در روسیه ، فرانسه ، لهستان یا در جای دیگری " جنگ و هرج و مرج آغاز میشود . . . در آن هنگام فرصت مناسب برای پرولتاریا فراهم میرسد " (۱) . دهها تن دیگر از " نابود کنندگان " مارکس همین ساز را سر میدهند تا کمونیسم علمی را لجن مال کنند و هم آنها کمونیسم علمی را " استراتژی نابودی " یا " آموزش پرولتاریا " جنگ " (۲) اعلام میکنند و انتقاد از مارکسیسم را با دروغ امپریالیستی در باره " خطر شرق " و استناد به دکترین " توتالیتاریسم " تقویت مینمایند . این قبیل تحریف ها وسیله ای برای توجیه مشی ایالات متحد و امریکا در افزایش تسلیحات خود و آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم عهد عتیق است . مارکس شناسان انبی اطلاعاتی نردم سایر کشورهای از زندگی و فعالیت مارکس وانگلس سوسو استفاده میکنند . اینگونه اظهارات در زمینه واقعیات تاریخی دروغ آرا بدیده های دروغی نتراشیده و نخراشیده و گاهی هم توأم با مکر و حیله . بطوریکه امید انیم ، جنگ مولود مارکسیسم یا

1 - Richard Friedenthal. Karl Marx. Sein Leben und seine Zeit. München-Zürich, 1981, S. 597-598.
2 - Karl Marx und das politische System der DDR, 1982, S. 148.

گه . و پتر روحانی ژرژوئیک (یسوی) و یو . بوخنسکی از اهالی دوسینیکان (داشتفاند . ژو . اللمنشتین ، ر . فریدنتال ، ل . کولا کسکی ، ک . کسوف ، ج . ر . پتیس ، ا . توپچ ، ا . ولف مقدان محافظه کار کونونی مارکسیسم برجای پای پیشکوتان خود گام مینهند و تلاش میکنند با آنها رسانند که گویا مارکسیسم از همان آغاز یک تئوری غیر علمی بود . ولی در واقع همین علمیت مارکسیسم - لنینیسم ، منطق وحدت و یکپارچگی درونی آن ، وحدت تئوری و پراتیک که از ویژگیهای آنست ، اتکا به منجش پروژه هائی که در جهان روی میدهند و بدیده نیاید ، دینامیک خلاق و انساندوستی به این آموزش بزرگ قدرت و توان می بخشند و افراد هر چه بیشتری را در تمام بخش های جهان بدان جلب میکنند .

تئوری که مارکس وانگلس در طول همکاری که دهها سال بدرازا کشید وضع کردند و لنین آنرا تکامل بخشید دارای نقش منبع لا ینزال اندیشه های خلاق است که امکان میدهند مسائل تئوریک و پراتیکی را که زمان مطرح میکند حل کنیم . بطور مثال برنامه حزب سوسیالیست متحد آلمان که در سال ۱۹۲۶ بتصویب رسید برای گواهی میدهد . این برنامه نشان میدهد که چگونه حزب ما همانند احزاب برادر بسیاری از کشورهای سوسیالیستی ، اصول و احکام اساسی کمونیسم علمی را در جریان ساختن جامعه سوسیالیستی پیشرفته مورد استفاده قرار میدهد . این بویژه به استراتژی اقتصادی مربوط میشود .

مارکس در " انتقاد اقتصاد سیاسی " که با تبادول نظری پراپاریات انگلس نوشته بر این نکته تاکید میکند که " ماشین های گرانقیمت " نه بخاطر خود آنها ، بلکه بمنظور افزایش ثمن بخشی اقتصادی مورد بهره برداری قرار میگیرند . (اگر از ماشین های گران قیمت برای اینکه حجم کمی فرآورده بسه هند استفاده میشد ، در آن صورت آنها بمنزله نیروی تولیدی عمل نمیکردند و بسای کالاهای خلیس بیش از آنچه بدرون شرکت ماشین تولید میکرد بدگران میشد " (۱) . مارکس اینطور نتیجه میگیرد که ثمراسانی استفاده از ماشین های گرانقیمت (و اینک این قبیل ماشین ها در درجه اول روهوت ها و میکروالکترونیک تجربی علمی است) در صورتی حاصل میشود که حجم فرآورده هایه نسبت افزایش تعداد ماشین هائی که مورد بهره برداری قرار میگیرد افزایش یابد و کارزند ای که مورد استفاده قرار میگیرد کاهش پیدا کند . استراتژی اقتصادی حزب سوسیالیست متحد آلمان که هدفش تبدیل " گسترش شدید تجدید تولید . . . به اساس تعیین کننده رشد اقتصاد ملی " است (۲) متکی بر

۱ - ک . مارکس و ف . انگلس . مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۴۶ بخش دوم ، صفحات ۲۵۲-۲۵۳ .
2 - Aus dem Bericht des Politbüros an die 9. Tagung des ZK der SED. Berichterstatter: Genosse Erich Honeker. Dietz Verlag Berlin 1984, S. 31.

سوسیالیسم موجود نیست. علل آنرا باید در مالکیت خصوصی، بروساکن تولید و وجود طبقات استثمارگر ناشی از آن جستجو کرد. جنگهای جهانی را در واقع سرمایه داری بوجود آورد. اکنون هم خطر نابودی هسته ای جامعه بشری از امپریالیسم امریکاناشی میشود.

انگلس بنیاد گذاردنش جنگ مارکسیستی - لنینیستی هم که بخاطر معلومات عمیق جنگی شوریکش، پس از سال ۱۸۷۰ در جمع دوستان به شوخی او را "ژنرال" خطاب میکردند، مانند مارکس، از مخالفین سرسخت جنگهایی بود که طبقات استثمارگر آغاز میکردند. او مبارزی آتشمسن در راه صلح و خلع سلاح بود و از آینده صلح آمریخلقها طرفداری میکرد. این امر نتیجه منطقی حکم مربوط به ارتباط قانونمندانه میان سرمایه داری و تمایل به جنگ از یکسو و سوسیالیسم و هلاقه به صلح از سوی دیگر بود که او همراهِ دوستش تدوین کرده بود.

مارکس و انگلس در همان "مانیفست حزب کمونیست" این سطور کلاسیک را فرمول بندی کردند: "بهمان نسبت که استثمارگر فرد وسیله فرد دیگری نابود کرد، استثمارگر ملت وسیله ملت دیگر همنابود خواهد شد."

با ازمیان رفتن تضاد آشتی ناپذیر طبقات درون یک ملت مناسبات خصمانه ملتها میسازد یکدیگر هم ازین خواهد رفت" (۱).

بدین ترتیب برای نخستین بار این اصل بطور علمی مستدل گردید که مبارزه در راه صلح و در راه حق زندگی که سرآغاز تمام حقوق انسانی است، بخش جدائی ناپذیر و سالیانه تاریخی طبقه کارگر یعنی مبارزه در راه سوسیالیسم است. هیچیک از حملات و جعلیات در پروزی و امروزی "صلیهداران" قادر نیست این اصل را زنده ای تغییر دهد.

طی دهه های بعدی، بویژه در دوران فعالیت انترناسیونال اول، انگلس که در تماس نزدیک با مارکس کار میکرد، مرتباً به این مسئله باز میگشت که پرولتاریا چگونه باید میتواند علیه خطر جنگ مبارزه کند. از اواسط سالهای ۸۰ این اعتقاد در او قوت گرفت که عدتوازن پیشرفت اقتصادی کشورهای مختلف سرمایه داری و مسابقتسلیحاتی هرچه شدیدتر کشورهای اروپایی (که امپراطوری آلمان میان آنها در مقام اول قرار داشت) خطر رگیری جنگ در اروپا و هلازه بر آن خطر جنگ جهانی را فراهم میآورد. انگلس با نگرانی ویژه ای این پروسه را دنبال میکرد. او در نامه ها و مقاله های سالهای ۹۰، از این عقیده دفاع میکرد که در جنگی که فرامیرسید هیچ سوسیالیستی، صرفنظر از تعلقات ملی خود، نمیتواند برای هیچیک از کشورهای اروپایی پیروزی آرزو کند. انگلس بر این عقیده بود که با حفظ صلح امر سوسیالیسم تأمین میشود. بهمین سبب هم سوسیالیست های تمام کشورها

۱ - ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۴، صفحه ۴۴۵.

پشتیبان صلح میباشند" (۱). او در همین حال یاد آور میشد که جنگ نابود سازنده نظام سرمایه داری را نجات نمیدهد. انگلس از تجزیه و تحلیل وضع بین المللی در سال ۱۸۹۱ به این نتیجه رسید.

انگلس با تأکید بر اینکه صلح فقط در شرایط سوسیالیسم میتواند تأمین گردد، در نامه ها و مقاله های خود امکان پرولتاریا برای بر طرف ساختن و یا حداقل محدود کردن منابع ایجاد کننده خطر برای صلح در شرایط سلطه سرمایه داری را هم بررسی میکرد. برخورد او بدین مسائل بسیار هشیارانه بود. برگوشی هیچ وی اساس در باره هلاقه دولتهای بورژوازی به صلح و "برادری همگانی خلقها" نفرت و انزجار او را برمی انگیزت. تجربه و تجزیه و تحلیل علمی او را بدین متقاعد ساخت که جنگ و خطر جنگ را فقط با عمل و با مبارزه توده های مردم بر رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن میتوان بر طرف کرد. انگلس ایجاد شرایط ایدئولوژیک لازم، همانند انترناسیونالیسم پرولتری و آنتسنسی ملیتاریسم ضد جنگ را که دارای ریشه های عمیقی است و همچنین ایجاد شرایط سازمانی در سرتو یکپارچگی تمام مخالفان جنگ را وظیفه جنبش کارگری انقلابی بشمار میآورد.

اثری هم که دو سال پیش از درگذشت او در پاریس در سال ۱۸۹۱ "آیا اروپا به صلح صلاح تن در میدهد؟" به چاپ رسید سرشار از همین نوع اندیشه ها است. این نخستین طرح خلع سلاح در تاریخ است که بر تجزیه و تحلیل علمی جامعه مبتنی میباشد و کمونیست های بدین افتخار میکنند که این طرح به یکی از آموزگاران بزرگ آنها تعلق دارد. اگرچه این اثر تقریباً صد سال پیش نوشته شده، اندیشه های اساسی آن رسه شکست انگیزترین وجهی اکنون هم بقوت خود باقی هستند و رهنمودی برای عمل میباشند.

انگلس بر پایه بررسی تناسب نیروهای سیاسی و نظامی برنامه خلع سلاح را با آمار و ارقام بطور مشروحی مطرح ساخت. این طرح بطوریکه بر پایه اصل نیاز برابرد و جانیه به امنیت تدوین شده است. بر این نکته باید تأکید کرد که همه ابتکارات کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی در جهت تحکیم صلح و خلع سلاح از همان آغاز مبتنی بر اصل برابری و امنیت برابری بوده است. طبیعی است که انگلس این را در نظر داشت که خلع سلاح جزئی بر پایه توافق طرفین را فقط از راه مبارزه تمام قشرهای خلق که غیرت ملیتاریسم و جنگ آنها را تهدید میکند، میتوان بحرله اجراء آورد و میدانست که مراعات آن نیازمند کنترل دقیق وجدی از طرف توده ها است.

صحن انگلس نشان داد که مبارزه در راه خلع سلاح دارای خصالت دیموکراتیک کلی است. این

۱ - کارل مارکس و فریدریش انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی)، جلد ۲۲، صفحه ۲۵۹.

مبارزه عبارت از جنبشی است که طبقه کارگرداران متکرومبارزی پیشرو باشد. در همین حال این جنبش تنها جنبشی است که میتواند گسترده ترین محافل را دربرگیرد. حزب سوسیالیست متحد آلمان و سایر احزاب برادر در استراتژی کوشی خود در مبارزه در راه صلح و بطوریکه بر این اصل راز هنمود خود قرار میدهند و هدفشان اتحاد کاملاً گسترده و استوار طرفداران صلح است. حتی در دوره‌هایی که انگلستان نیز است و فعالیت میکرد چنین استراتژی ممکن و ضروری بود. او نوشت "وظیفه گردآوری و تحویل عده کثیری سرباز بود اختن بخشی اساسی مالیات ها تقریباً تمام و کمال بعهده تنوع های مردم است" (۱). اکنون هم این مسئله مطرح میشود زیرا سلاح هسته ای و سایر وسایل ناپودی جمعی که در اختیار نیروهای تجاوزکار و امپریالیسم است خلع سلاح را به مسئله مرگ و زنده گی برای تمام جامعه بشری مبدل میکند. در همین حال بطوریکه تجربه نشان میدهد و اکنون در پرتو وجود اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبشی جهانی در راه صلح شرایط برای مبارزه موفقیت آمیز در راه گاهی تشنج خلع سلاح و تأمین صلح بسیار مساعد تر است.

این نیز که انگلستان از خلع سلاح هر مرحله پشتیبانی میکرد خود مسئله مهم روز است. برخلاف تصورات واهی صلح گسترانه و خواست سکاستی "همچنین هیچ چیز" او پیشنهاد میکند در مبارزه برای خلع سلاح و گام بگام و هدفهای تازه قابل دسترسی مطرح نمود. علت چیست که ضمن مطالعه خلع سلاح همگانی و کامل قید کردن جزئی به جز وظایفی که انجام شدنی است به این اندازه حساسیت اهمیت است؟ بدین سبب که با اتکا به موفقیت های جزئی که بدست آمده میتوان تعداد هر چه بیشتری از افراد را به مبارزه علیه سابقه تسلیحاتی و خطر جنگه جلب کرد و شجاعت و نیرو و ایمان آنها به امکاناتشان را تقویت نمود. اصلی که انگلستان پیشنهاد کرده (کون قلوب نای راهگشا برای جامعه کشورهای سوسیالیستی و شما نیروهای صلح دوست است).

علاوه بر اینها انگلستان بر این نکته تأکید میکند که مبارزه علیه سابقه تسلیحاتی که یک وظیفه بین المللی است مسؤلیت ویژه ای را به جنبش کارگری انقلابی آلمان محول میکند. در اینچنان نیز پراتیک اجتماعس هم نشان داد که وسایلی او هنوز هم بقوت خود باقی است. او خاطرنشان میساخت که وظیفه تاریخی زحمتکش آلمان این است که "در امر خلع سلاح پیشقدم باشند و همانطوریکه چنین اقدامی بحق بعهده کشوری است که مسلح شدن را آغاز کرده است" (۲). در اینجا بهیچوجه نمیتوان سوگندی را که ضد فاشیست های آلمان در سال ۱۹۴۵ یاد کردند و رفیق او. هنرک بوفاداری بدان همواره تأکید میکند بخساطر

نیارد: "از آلمان نو و سوسیالیستی ماهیچوقت جنگه آغاز نخواهد شد" (۱).
 مقلد انگلستان زیر عنوان "آیا اروپا میتواند خلع سلاح بشود" از آغاز تا به آخر اصلی را اعلام میدارد که تاریخ آنرا تأیید کرده است: با جنگه باید پیش از آنکه آغاز گردد در مبارزه کرد.
 از عظمت و دینامیسم جهان بینی دیالکتیکی - ماتریالیستی ما این خصلت جالب آن ناشی میگردد که در واقع هرگونه پیشرفت و تهاجمی که بدون پیشروی به مبارکسیم رجوع میکند بوجود آن یقین حاصل مینماید. هر قدر هم انسان با دقت و توجه آثار مارکس و انگلستان را خواند و باشد و هر بار که بدانها مراجعه کند چیز تازه ای در آن کشف میکند و اندیشه های رامیابد که قبلاً به هنگام مطالعه متوجه آنها نشده و به افکار بر خورده میکند که بلاواسطه با دوران معاصر هم آهنگ است. این را چگونه میتوان تشریح نمود؟
 دیالکتیک ماتریالیستی بمنزله تئوری و متدی که مارکس و انگلستان مشترکاً تدوین کردند و در آثار آنها ماهرانه بکار برده شده سرچشمه چنین "اعجازی" است. ماتریالیسم دیالکتیک است که خواننده را بر میآورد و علاوه بر این و امیدارد همراه با بنیانگذاران آن دیالکتیکی و بطورزی خلاق و در ارتباط با پراتیک بیندیشد و اندیشه های آنان را گسترش و تکامل بخشد. در واقع جهانی که ما در حال تغییر است با مسائل مختلف که نومنوس مطرح میکند مراجعه به کلاسیک های مارکسیم - لنینیسم را برای گرفتن درس و رهنمود تا این اندازه ضروری و مفید و شاد میبخشد. شور و مشورت مداوم و خلاق با میراث تئوریک که مارکس و انگلستان و لنین برای ما بجا نهاده اند ضمن موفقیت های ما در مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم است.

۱ - نویسنده ویرجیلاند ۶۶ ماهه ۱۹۸۵.

۱ - ک. مارکس و ف. انگلستان. مجموعه آثار (پزبان روسی). جلد ۲۲، صفحه ۳۸۷.
 ۲ - همانجا، جلد ۲۲، صفحه ۴۱۴.

مداخله مسلحانه به بهانه خطر واهی

رئیس‌جمهور و دبیران

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست
هند و روس

درباره تاریخ کشورهای امریکای مرکزی و حوضه کارائیب وضعی مانند امروز چنین متشنج و خطرناک
بندرت پیش آمده است. آنچه در پیرامون کوبا و نیکاراگوئه و در سالوادور، هندوراس و جمهوریهای
دیگر میگذرد جز استراتژی گذاشتن درگیریهایی محلی بشمار آورده میشود. این رویدادها در درجه اول
آنجا پدید میآیند که مبارزه توده‌های مردم در راه آزادی و پیشرفت مستقل با واکنش بسیار شدید محافل
امپریالیستی و الیگارشی محلی روبرو میگردد. درست در این قبیل "نقاط عصبی" ارتجاع داخلی
و خارجی جنگهای ضد انقلابی را با تمام حفظ و گسترش همه‌جانبه سلطه خود پیا می‌کنند.
امپریالیسم که ابتکار را بمقیاس جهانی از دست داد تلاش میکند تلاقی با خت اجتماعی
خود را درآورد. به همین سبب در بار منطقه ما "نقطه‌های داغ" همانند آن، اگر بعضی نواحی
سخن گفته شود که در آنها تضاد اساسی معاصر میان نیروهای ترقی و ارتجاع به حادترین شکلی
(اگرچه در اغلب موارد هم بشکل با واسطه) بروز میکند بجا و درست خواهد بود.
درگیریهایی محلی در امریکای مرکزی دارای ویژگیهای خود هستند. اول اینکه آنها بلا واسطه
نزدیک به دژ امپریالیسم، در منطقه ای بروز کرده اند که محافل حاکمه ایالات متحده امریکا از دیرباز
آنها را تکیه و پیرونی خود بشمار آورده اند و همین هم در آنها حمله‌های بی‌پرونده حاد هیستری ضد کمونیستی
را برمی انگیزد. دوم اینکه وضع در اینجا بی اندازه وخیم است و میتواند به درگیری منطقه‌ای و حتی
جهانی مبدل شود. سوم اینکه تعمیق هرچه بیشتر بحران ساختاری در کشورهای ما و اعتلای جنبش
آزاد بخش امکانات عینی برای از هم گسیختگی حلقه‌های تازه ای از زنجیر ظلم و ستم فراهم
میآوردند.

رود روی بی‌مهراس از
شکست‌های آینده

هرگاه به سخنان نمایندگان دستگاه اداری ایالات متحده امریکا و مقدم بر همه به
سخنرانی رئیس جمهوری ایالات متحده در پارلمان انگلستان در روشن سال ۱۹۸۲ (که
" جنگ صلیبی تازه ای علیه کمونیسم طی آن اعلان شد) توجه کنیم مشاهده پیدایش خشونت
بسیار در مشی سیاسی داخلی و خارجی امپریالیسم دشوار نخواهد بود. ما با مبارزه طلبیدن جامعه
کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، با " محکم تر کردن پیچ و مهره ها " و سرکوب
آشکار جنبش‌های مترقی در کشورهای سرمایه داری، مبارزه علیه نیروهای دموکراسی ملی در کشورهای
نواستقلال و چرخش بیشتری بر راست در سیاست ایالات متحده امریکا در امریکای لاتین روسرو
هستیم (۱) . تمام اینها، طبیعتاً نیازمند استدلال و اثبات ایدئولوژیک متناسبی بودند. لذا
بهریق‌های کهنه پاره و شعارهای مبتذل آنتی کمونیسم آشکار بیرون آورده شدند. در این راه
از تمام مسائل استفاده میشود و از سرهم کردن لطافات و دروغ هم ابائی ندارند. اتحاد شوروی
" امپراطوری شر " اعلام میشود و سوسیالیسم موجود " تضاد فی تاریخی " که محکوم به نابودی است ؛
موفقیت‌های نیروهای مترقی را " دسائیس کمونیستها " مینامند و انواع " گناهان " کوچک و بزرگ،
حتی تحریکات زشت سپایاسو " قصد بجان پاپ را با آنها نسبت میدهند. می‌گویند به افکار مسمومی
اینطور تلقین کنند که ایالات متحده دارای " نقش منجی " است که رسالتش گویانجات تمدن از
" دشت‌های کمونیسم " است.

هدف اساسی " جنگ روانی " که از لحاظ دامنه اش بی‌سابقه است، ایجاد چنان جو
ایدئولوژیک است که سیاست‌ترویسدم دولتی و شاننا و اقتصاد ای را که واشنگتن دنبال میکند؛ بی
ثبات کردن وضع کشورها، از بین بردن رژیم‌های " نامطلوب "، تجاوز مسلحانه (چنانکه در گرنادا
اتفاق افتاد و ممکن است در نیکاراگوئه و سالوادور هم روی دهد) همه را تبرئه و توجیه نمایند.

ششماه پیش از روی کار آمدن دستگاه اداری کنونی که بی‌انگرمناغ محافل ارتجاعی سرمایه
امریکای شمالی و مجتمع نظامی - صنعتی آن است، گروهی از کارشناسان " سانتا - فه " برنامه‌های
رابنام " سیاست تازه‌پروژه کشورهای امریکای برای سالهای ۸۰ تهیه و تدوین کردند. این سند
محرمانه که بعد ها در یک سلسله از نشریات مترقی بجا رسیده فقط شکل مدرن " دکترین "

۱ - مشروح تردید رباره تحولات سیاست امپریالیسم امریکای شمالی رجوع کنید به نوشته‌های بهیران
حزب کمونیست ایالات متحده امریکا در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " سال ۱۹۸۱ شماره ۱۱
صفحه ۱۸-۱۵، سال ۱۹۸۲ شماره ۱ صفحه ۱۶-۱۱ و شماره ۴، صفحه ۲۱-۱۷.

کذافی مونرو، بلکه عصاره دعاوی شیطان‌گونه است که بر پایه احکام تغییرناپذیر ضد کمونیستی
بشدت درهم آمیخته شده است (۱).

نویسندگان این سند با مراجعه به گذشته‌ها "دکترین مونرو" را "سنگ زین‌های تاریخی"
سیاست ایالات متحده آمریکا را لاتین نامیدند. گوئی از این نکته بی‌خبر بود ند که دکترین
"همسایه‌خوب" طی صد و پنجاه سال برای یکبار هم شده باشد از طرف ایالات متحده برای دفاع
امریکای لاتین در برابر تجار و زارت کشورهای اروپائی مورد استفاده قرار نگرفت و در نظر مردم در همان
قرن گذشته ارج و اعتبار خود را از دست داد. این "دکترین" فقط پرده ساتری برای توسعه طلبی
های سرمایه تازمید و ران رسید مانع‌انگام ایالات متحده بود که پیش از نیم ازاراضی مکزیک و کوبا و
پورتوریکو که تازه از زیر سلطه استعماری اسپانیارهایی یافته بود و بعد ها برزخ پاناما را تصرف کرده و
حوضه کارائیب را به "دریاچه داخلی ایالات متحده" مبدل کرده بود.

بمقیده "متفکرین" سانتا-فه، این حوضه در دوران مابه "دریاچه مارکسیستی -
لنینیستی" مبدل میشود و کشورهای داخل در آنرا گویا فعالیت های لحام گمیخته و مهار نشدنی
کها که از شتیانی اتحاد شوروی برخوردار است تهدید میکند. آنها بطور هیجان انگیزی اظهار
میدارند "اساس کار تهیه و تدوین یک سیاست واحد و جهانی است. وقت آن رسیده است که بنام
آزادی، شایستگی و منافع ملی رنگهای خطر را بر باد آوریم" در مقابل یک راه وجود دارد، یا صلح
میشود شوروی (Pax Sovietica)، یا نشان دادن قدرت آمریکا بمقیاس جهانی. هنگام
تصمیم گیری است و تاخیر بردار نیست" (۲).

نویسندگان سند شتابزد میخواستند این اندیشه را تلقین کنند که گویا جنگ از جامع
بشری جدائی ناپذیر است و سراسر آمریکا، از جمله بخشی که خ. مارتی آنرا "امریکای ما" (۳)
نامید دارای ارزش‌های معنوی و سنن واحدی است و از آنها باید دفاع کرد (۴).

۱ - مشروح تردیدها در سند سانتا-فه رجوع کنید به "مسائل بین‌المللی" شماره ۴
سال ۱۳۶۰ "بارد بگریک دیوانگی بمقیاس جهانی" صفحه ۱-۳.

2 - Documento secreto de la politica Reagan para América Latina
"Soberania" Managua. 1981, Nr 1.

۳ - مقصود مقاله برنامه‌گونه خوسه مارتی با عنوان "امریکای ما" است که در سال ۱۸۹۱ نوشته شد
و پایه و اساسی برای ایدئولوژی ضد استعماری ضد امپریالیستی در منطقه گردید.

4 - J. Carrión. Ideología imperialista en América Latina. -
"Estrategia" 1982 Nr 44, pp. 43-44.

زندگی نشان داد که سیاست تازه ایالات متحده آمریکا در ارتباط با امریکای لاتین همان
مشق است که در سانتا-فه "مستدل گردیده است" سه سال پیش، هنگامیکه بحران مالینوس
سر رسید و آرانتین از طرف بریتانیای کبیر مورد تجاوز قرار گرفت، ایالات متحده به پیشروانه‌ترین
و جوی به متحد "منتق" خود بخاطر مصالح عالیه "خیانت کرد" هم "دکترین مونرو" و هم قرارداد
های نظامی - سیاسی در باره دفاع از نیمکره غربی را لگد مال کرد. سپس به گونا گونا، به علت اینکسه
مردمش جسارت بخروج داده و راه استقلال را در پیش گرفتند خائنه حمله ور شد. حالا هم در
امریکای مرکزی با آتش بازی میکند.

سیاستمداران ارتجاعی اندیش امریکای لاتین هم اینک درک میکنند که هر یک از کشورهای
منطقه میتوانند مورد تجاوز امریکای شمالی قرار گیرند، حتی در حالیکه هیچ ارتباطی با اکثریت
سوسیالیستی پیشرفت نداشته باشد و فقط در صد در صد استقلال کامل برآید. "کتاب
های سفیدی" که در آغاز سال ۱۹۸۱ و سال ۱۹۸۵ در واشنگتن سرهمبندی شد و "اشترک"
اتحاد شوروی، کوبا و نیکاراگوئه در رویداد های سالوادور و ریاضات رسانند و بیانه‌ها و اسناد گوناگون
رسمی و غیر رسمی سالهای اخیر ایالات متحده آمریکا رو به هم رفته چیزی دیگری غیر از تلاش برای تأمین
تجلیفاتی مداخله مسلحانه و لوف‌هایی که برای اهالی امریکای لاتین رویداد های دراماتیکس را
درین دارند، نیست.

ما بارها با آنتی کمونیسم یکبار جوهر خود کرده ایم. تشدید فعالیت آن در حال حاضر
بمیزان زیادی ناشی از وضع ایدئولوژیک در امریکای لاتین است. پس از روی کار آمدن ریگان مبارزه
سراسری با "مداخله" کذافی شوروی - کوبا در امور داخلی کشورهای منطقه با "ترویسیم
کمونیستی" و "تجاوز" از سوی به وسواس جنون آمیز دستگاه اداری و امنگتن مبدل گردیده و از سوی دیگر
بهانه ای برای اعمال فشار در کشورهای است که دارای رژیمهای دیکتاتوری و مطلقه راستگرا هستند
و یا در آنها زیر لاف "دموکراتیک" خود کمالی الیگارش و نظامیان محلی ادامه دارد.

بطور مثال، در هند و روس میکوشند و حشگری و سبعمیت رژیم را با جابجایی در سار
"خطر مانند بنیستی" و مداخلات نظامی که ارتش خلق نیکاراگوئه گویا در اراضی ما انجام میدهد
استقرار نمایند. ترویسیم انقلابی که تا سطح سیاست دولت ارتقا داده شده است تأیید دیگری
بر این سخن ک. مارکس است که "تمدن و ادگری نظام بورژوازی ماهیت حقیقی و شوم خود را
هنگامی نشان میدهند که بردگان و مستعبدان آن نظام علیه اربابان عصیان میکنند. در آن هنگام
این تمدن و این دادگری غیر از وحشیگری و انتقامجویی برهنه و بی‌رحمان چیزی دیگری نیست" (۱).

۱ - ک. مارکس و ف. انگلس. مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱۷، صفحه ۳۶۰.

اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال هیچکس را تهدید نمیکنند. در سال ۱۹۳۲ م. کالیس هیرارایکی از بنیانگذاران حزب کمونیست هند وراس که بوسیله ارتجاع هند وراس بزندان افکنده شده بود از سلول خود نوشت "اتحاد شوروی در امر وسایل مداخله نمیکنند. ولی خلقهای امریکای لاتین از نمونه آن الهام گرفته اند و بدگان خود را بیدار و خسته اند". این سخنان هنوز هم بقوت خود باقی هستند، مفهوم تازه ای پیدا کرده اند و با باطل بوج وارد میکنند. زیرا دست آورد های موجود در تمام مرصه های زندگی در کشورهای سوسیالیستی و از جمله در کوبا و موفقیت های جنبش کارگری بین الطلی و انقلابهای ملی - دموکراتیک اینک بیش از گذشته اهمیت دارند و در مبارزه علیه امپریالیسم و الیگارشی الهام می بخشند.

وسایل ارتباط جمعی ارتجاعي در امریکای لاتین در مبارزه تبلیغاتی برداشته علیه کمونیسم که از ابالا متعده امریکایها میگیرند فعلا نه شرکت میکنند و تلاش دارند اتهامات تکراری و تصورات ضد انقلابی ضد شوروی را در فکرون ذهن مردم جایگزین سازند. مادرکارهای تبلیغاتی و تبلیغی خود مصرانه و پیگیر این اندیشه را دنبال میکنند که انقلاب در کوبا و نیکاراگوئه و مقاومت مسلحانه مردم سالواد و رازخارج آورد نشده، بلکه نتیجه بحران ساختاری تشدید یافته و مبارزه عادلانه علیه رژیمهای استبدادی و غارت امپریالیستی است. ماهمچنین تأکید میکنیم که هجوم کنونی آنتی کمونیسم نه بر قدرت بلکه بر ضعف دشمن طبقاتی و ترس آن از شکست های آینده گواهی میدهد.

بازیهای خطرناک با آتش

امپریالیسم امریکا با تمام نیرو میگوید "حق" هژمونی نظامی - سیاسی و اجتماعی - اقتصادی را که خود سرانه برای خویش قائل شده تحقق بخشد. با از دست دادن بسیاری از مواضع خود در سایر مناطق تمام قاره مارا "منطقه امنیت" بویژه مهبی اعلام کرده، امریکای مرکزی و حوضه کارائیب را ناحیه "منافع حیاتی بلا واسطه" خود و هند وراس را "مرز چهارم" خویش بشمار میآورد.

کاخ سفید برفق انتقاد شدیدی از طرف اتباع ترقهخواه ایالات متحده، هرچه در توان دارد برای افزایش کمک اقتصادی و نظامی به پرزیدنت های گوش فرمان میدون توجه به هزینه و مسائل به نظامیانی کننبروهای مسلح کشورهای امریکای مرکزی را به "گوشت دم توپ" برای دست یافتن به هدفهای توسعه طلبانه و ضد انقلابی و اشنگتن میدل کرده اند، انجام میدهد. در این قبیل برنامه های استراتژیک نقش تنگبینی هم به ارتش هند وراس واگذار میشود.

هند وراس در مرکز متشنج ترین منطقه قاره امریکا واقع شده و بیاسه کشوری هم مرز است که خلق های آنها مدتهاست سلاح در دست برای مبارزه بها خاسته اند. بهمین سبب کشور ما در نظر

دستگاه اداری ایالات متحده اهمیت "ژئوپولیتیک" ویژه ای کسب کرده است. در اسناد حزب کمونیست هند وراس بارها یادآوری شده است که در هند وراس اختلاف لیبیرال ها و نظامیان حاکمیت را در دست دارند. این تجسم نمونه و نظریه "دموکراسی محدود" تدوین شده بوسیله امپریالیست ها در عمل است. این نوع از انواع دیکتاتوری ارتش هند وراس راهب ژاندارم امریکای مرکزی، اشغالگر سرزمین های خود و ضامن حضور نظامی ایالات متحده میدل میکند. خطر برای تمام منطقه ما از اینجا سرچشمه میگردد (۱).

نیروی بالقوه ارتش هند وراس بسرعت افزایش مییابد. نیروی هوایی باتکنیک نظامی مدرن تقویت میشود. فرودگاههایی ساخته میشود که برای فرود آمدن و پرواز هواپیماهای سنگین مجهز هستند. نیروی دریایی بانبرد ناوهای مدرن تکمیل گردیده است. از سال ۱۹۸۲ به بعد سرولکه تعداد زیادی مستشاران نظامی و واحد های تعلیماتی از فورتن برانگارد رکارولینای شمالی و از یانگاه فرماندهی بخش جنوبی ایالات متحده امریکا در یاناما پیدا شده است. در مرکزی که پنتاگون بوجود آورده واحد های مأموریت ویژه برای سرکوب مبارزات مردم در امریکای مرکزی آموزش می بینند. نزدیک تگوسیگالپاد در شرور هوله ایستگاه عظیم رادار اشعاع عمل ۰۰۴ کیلومتر ساخته شده است که بوسیله پنجاه متخصص امریکای شمالی اداره میشود و واحد های نظامی هند وراس را محافظت میکند.

تعداد کارمندان سفارت ایالات متحده امریکا بسیار زیاد شده، شبکه سیاهبازان جشمگیری گسترش یافته است و انواع گوناگون کارشناسان متخصصی در عملیات "ضعفیان" که از اتباع امریکای شمالی، شیلی و اسرائیل میباشند بطور قابل ملاحظه ای فعالیت خود را تشدید کرده اند. تعداد هرچه بیشتری "بره سبزهها" وارد کشور میشوند. برای چندمین بار است که در اراضی هند وراس نزدیک بهم مرزهای نیکاراگوئه و سالوادور و مانورهای زیرنامهای رمزی "بیگ پاین"، "یونیورسال-تیک" و غیره انجام میگردد. در این مانورها علاوه بر نمایندگان "ارتشهای متفق" نظامیان و تکنیکس جنگی امریکا هم شرکت میکنند. هزاران تن از اشرار سوموسا که جان سالم بدر بردند در هند وراس پناهگاه امن و امانی یافته اند. آنها به نیکاراگوئه حمله و میشوند و علیه میهن سازند پنجه جنایات بزرگی دست میزنند. گاهی اتفاق میافتد که ارتش هند وراس هم به سرزمین سالوادور دست اندازی میکند.

1 - El proceso revolucionario hondureño en el momento actual. Intervenciones del Secretario General del Partido Comunista de Honduras, c. Rigoberto Padilla Rush, 1983. هیئت تحریریه

نه پرزیدنت ر. سوا سوگورد و او نمسا بر شخصیت های بزرگ حزب لیبرال قادر نیستند از مسئولیت تاریخی به سبب سیاست جنایتکارانه خود و خیانت بنیات صلحجویانه اعضای حزب تمام کسانی که در سال ۱۹۸۱ به لزوم تغییر و تحول رأی دادند شانه خالی نکنند .

افسران هالیترتیه ای که در بهیوهراس از نشتاگون . بسر میرند و یاد آرزوی واهیسی " یک تفرج جنگی " ساده و آسان گویی برد آورده اند ، کشور ما را به جنگ علیه نیکاراگوئه میکشاند ، جنگی که بی آمد های آنرا برای سرنوشت تمام خلقهای منطقه بد شواری میتوان پیش بینی کرد .

امتناع دولت " لیبرال " از مذاکره با ساند نیست ها ، شرکت نظامیان در تحقق نقشه های جنایتکارانه پنتاگون و سیا ، استفاده از شبهه نظامیان برای ربودن و قتل رهبران خلق و انقلاب پسون را با چیز دیگری غیر از فشار فزاینده امپریالیسم نمیتوان توضیح داد . اثری از کسی برجای نمی ماند ، ما فقط غم و اندوه نزد یگان آنها را می بینیم و از دهن پنهانی اجساد باخبر میشویم .

قتل سیمانه ا . در اس از رفقای ما ، ربودن لیدران مردم و سندیگا ها مانند ر . ویندل و گ . مورالس در تگوسیگالپا که تا حال از سرنوشتشان اطلاعی در دست نیست ، فقط برخی از این واقعات است . فهرست اسامی قربانیان نیروهای انقلابی - دموکراتیک و ضد امپریالیستی در هند وراس مرتباً افزایش میابد و این خود گواهی بوجود نقشه بدون سر کرده و سرپرست ساختن توده ها و مانع از ابراز هرگونه مخالفتی با تدارکات شوم جنگی است .

ارتجاع هند وراس با تشبیه نقشه های ملیت پرستی و قصد سرکوب انقلاب نیکاراگوئه و جنبش آزاد بیخش خلقی در سایر جمهوریهای منطقه با اسلحه کشور ما را به وضع فاجعه آمیزی کشانده است . بطوریکه در یکی از اسناد حزب کمونیست هند وراس تأکید میشد " . . . با جنگ بویژه نباید زمانی بازی کرد که اقتصاد در زور و شکستگی است و رشد تولید زیر صفر است ، هنگامیکه بهای کالاها بشدت افزایش میابد و بیکاری جمعی یک سوم از اهالی را که قادر به فعالیت اقتصادی هستند فرا گرفته است .

تورمی که در پیجی بالا میروید ، در آمد ناچیز کنونی زحمتکشان راه هیچ مبدل نمیکند و وام خارجی چند میلیون ریاحتی با کوششهای نسلهای آینده هم نمیتوان پرداخت . اقتصاد بحران زده رانه با وامهای اسارت آورده با " کمک گذاری و نه با بخششهایی که با آنها کاخ سفید به بهای شرمساری هند وراسی هاشرکت گردانندگان کشور در سایش تجاوزکارانه علیه خلقهای برادری را خریداری میکند که در راه حق خود مختاری و تعیین سرنوشت و گزینش شایسته و مستقل سرنوشت خویش مبارزه میکنند نمیتوان از فرقی شدن نجات داد " (۱) .

1 - Mensaje de la Secretaria general del CC del PCH con ocasión del XXIX aniversario de la Fundación del Partido.

اگر امپریالیسم امریکا و خد متگداران آن از صف لیبرال - بورژوازی هند وراس بفرگد آب تجاوز علیه نیکاراگوئه و سایر کشورهای انقلابی سالوادور بجهند ، آنها خطای سیاسی جدی مرتکب میشوند و " ویتنام تازه ای " در امریکای مرکزی پیدا خواهند کرد ، زیرا هرآنکه با دیگران ، در رو کند طوفان " .

باید در سطحی بود که لحظه حاضر طلب میکند

اینک یک چهارم قرن است که انقلاب پیروزند کوبا صفحه تازه ای در تاریخ نیمکره غربی کشوده است . این انقلاب " تقدیر جغرافیائی " را بگورسپرد و امکان ساختمان جامعه نوو ها دلانه را حتی در نزدیکی بلا فصل ایالات متحده امریکا و شرایط محاصره بدون وقفه ، " جنگ روانی " و تحریکات سیاسی و خرابکاری با موفقیت با ثبات میرساند .

بهیست سال پیش پس از کوبا انقلاب ساند نیستی ضربه سنگین دیگری بر سیستم سلطه امپریالیستی در کشورهای امریکای لاتین وارد آورد و سر مشق الهام بخشی برای گسترش جنبش آزاد بیخش در سالوادور ، تشدید بیکار مردم بگو اتصالی و افزایش فعالیت نیروهای میهن پرست در کستاریکا و هند وراس گردید . این پروسه ها در امریکای مرکزی به واقعیت روزمره مبدل شدند و اگر چه اشکال گوناگونی جریان می یابند ، همه نتیجه تأثیر قانونمند بهای عامی میباشند که مارکسیسم لنینیسم کشف کرده است . آنها چنانکه گفتیم نه زائیده مداخله فرضی و واهی شوروی ، کوبا

یا نیکاراگوئه ، بلکه بی آمد تعمیق شدید بحران ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی میباشند . این بحران در هند وراس تا آنجا ادامه پیدا کرده که درگیری شدید سیاسی در داخل کشور میتواند در آیند و نه چندان دوری آغاز گردد . بی ثباتی یکی از خصائص تغییرناپذیر زندگی اجتماعی گردیده است . خطر کودتای ارتجاسی ، طی سالهای درازی ، همواره زمانی بدید میآید که امکانات در موکراسی بورژوازی به آخر میرسد . توده های مردم که به تجربه خود یقین حاصل کرده اند و سایل مسالمت آمیز در بیکار سیاسی بقائنا امکان نمیدهد به محل مسائل اساسی دست یابند ، همانطور که در نیکاراگوئه در گذشته اتفاق افتاد و اکنون در سالوادور وری می دهد ، دست به اسلحه میبرند .

تجربه کوبا ، نیکاراگوئه ، سالوادور و سایر کشورهایشان میدهد که مبارزه انقلابی (از جمله مبارزه مسلحانه ، که همیشه ارتجاع آنرا آغاز میکند) دوره آموزشی دشوار است . بنابراین گفته و ای . لنین " دوره کامل آن بطور اجتناب ناپذیر پیروزی ضد انقلاب و پیداگری مرتجعین خشمگین راهم در بر میگردد . . . ولی فقط خشک سفران درمان ناپذیر و مومانی های بی مغز میتوانند برای وارد شدن خلقها به این مدرسه رنج آورشک بپرزند " . . . (۱) .

۱ - و ای . لنین . مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۱۷ ، صفحه ۱۷۷ .

دادن قربانی بفرماندهی جنبش انقلابی نمی انجامد و ناگامی های برخی از واحدها -
پیشروی پررزمندان جنبش را متوقف نمی سازند . سرنوشت تاریخی آموزش مارکسیستی - لنینیستی
با سرنوشت سایر تئوری ها و نظریات و مفردم برهه با سرنوشت نظریات ضد کمونیستی همین تفاوت را
دارد که بدون وقفه تحقق می یابد . در تناوب موفقیت نیروهای ترقی ما شاهد جلوه پیشرفت جهانی
بمنزله گرایش سلطه هستیم که مضمون اساسی دوران ما را تعیین میکند .

در شعبان طبقاتی واید فولویک ماتام اینها را خوب می فهمند . بهمین سبب تعرض تازه
ارتجاع و موج جدید آنتی کمونیسم ما را متعجب نمی کند ، بلکه به آمانگی برای مقابله شایسته با
خرابکارهای اید فولویک و نیات تجاوزکارانه دشمن در جریان هرگونه تغییر و تحولی در پیشرفت
رویدادها فرا می خواند .

دورنماهای انقلابی کاملاً روشن است . پروسه آزادی ملی در امریکای مرکزی را که بطور
هیئی در حالت پیشرفت است دیگر کسی نمیتواند متوقف سازد . البته ، خطر مدخله مستقیم
امپریالیستی در نیکاراگوئه و سالوادور موجود است . نباید آنرا دست کم گرفت و پراپین نکته در اسناد
حزبی حزب کمونیست نیکاراگوئه تأکید شده است . برای احتراز از خطر ، باید نیروهای دموکراسی و
ترقی امریکای مرکزی ، منطقه امریکای لاتین و تمام جهان را در یک جبهه متحد ساخت ، و با
ارتجاع را بطور مداوم افشا کرد و با خلقهای نیکاراگوئه ، سالوادور و سایر خلقهای رزمند بطور موثر
همبستگی نشان داد .

این خلقها در مبارزه خود تنها نیستند . کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش
کمونیستی و کارگری در کشورهای سرمایه داری و از جمله در ایالات متحد و امریکا ، نیروهای دموکراسی
ملی و تمام جامعه بشری مترقی با آنها هستند . انقلابیون هند و وراس ، صیبن پرستان و انترناسیونال -
لیست های فکری برجسیب های " خائنین بوطن " و " ستون پنجم " را که خدمتگذاران انحصارهای
ترانس ناسیونال و الیگارشی می خواهند با آنها بچسباند قاطعانه رد میکنند هم با آنها هستند .

دفاع از نیکاراگوئه و جنبش انقلابی در سالوادور بهترین وسیله دفاع از منافع مردم هند و وراس
نجات عمق حاکمیت کشور که با حضور نظامی ایالات متحد و امریکا نقض گردیده و مبارزه علیه سر به نیست
شدن ها و قتل های سیاسی " اسرارآمیز " است . طرفداری از نیکاراگوئه و انقلابیون سالوادور و رضامن
استواری برای این است که در آخرین تحلیل مردم هند و وراس بهترین دختران و پسران آن به آزادی و
استقلال کامل ، دموکراسی و ترقی اجتماعی دست یابند . اکنون نیکاراگوئه و نیروهای انقلابی
سالوادور در راه آینده با هم پیکار میکنند و در گین پیکار عظیمی هستند که ما هم بخاطر آزادی ملی و اجتماعی
خود در آن شرکت میکنیم .

بنظر میرسد که جهات اساسی سیاست تازه " ایالات متحد و در امریکای لاتین که آنتی
کمونیسم جنگ طلب ، تروریسم دولتی و ملیتاریسم فاشیستی است در شرایط سیاسی هند و وراس
متمرکز شده است . امپریالیسم امریکا قصد دارد از تبلیغ نظریات ضد انقلابی و عملیات مخفیانه به
مداخله مسلحانه آشکار بپردازد .

این واقعت کمونیست های هند و وراس را موظف میکند برای دست یافتن به تفاهم متقابل
بیشتری میان نیروهای خلقی ، دموکراتیک و انقلابی بکوشند و به پیشرفت پروسه متحد سازنده که وحدت
عمل روز افزون نیروهای دموکراتیک و انقلابی تجسم آنست باری رسانند . اینک حزب کمونیست
هند و وراس سایر سازمانهای مترقی به ایمن نکته هر چه بیشتر معتقد میگردد که خروج اوضاعی که
پیش آمده از طریق دیالوگ با دولت غیر ممکن است .

مرحله تازه جنبش انقلابی در هند و وراس نیازمند بکار بردن خلاقیت تاکتیک با نروش ، سیاست
ماهرانه اتحاد هلوتفا همبسته با محافل اجتماعی و احزابی است که با مداخله امریکا مخالفت
میکند و خواستار احیای آزادبهای دموکراتیک و صلح در روی زمین هستند . ما لازم میدانیم در سطح
خواست لحظه کنونی باشیم و از لحاظ سازمانی و سیاسی برای تحقق برنامه های استراتژیک خود
آماد می شویم .



کمونیست های هند و وراس بمنزله وارثان امر ف . مورا سان (۱) و سایر دموکراتهای انقلابی
قرن گذشته و م . کالیکس هرتزه راوخ : پ . و این رایت بنیانگذاران جنبش کمونیستی در هند و وراس
به جنگ علیه گواتمالا که کمپانی های موز در سال ۱۹۳۲ میخواستند به خلق ما تحمیل کنند " نه " گفتند
و به ضد انقلاب گواتمالا به سرکردگی ک . کاستیلو و وراس در سال ۱۹۵۴ " نه " گفتند
و به جنگی هم که سوموسا در سال ۱۹۵۷ میخواست هند و وراس را بکشاند گفتند " نه " و همراه با
کمونیست های سالوادور و مقصرین واقعی درگیری مسلحانه میان دو کشور در سال ۱۹۶۹ را افشا
کردند .

اینک ما اعضای حزب بوهوم پیمان خود را فرا می خوانیم که باری بگرچنگ را زد کنند ، به مداخله ای
که به کمک آن تلاش میکنند از پیروزی مبارزان قهرمان جبهه آزادی ملی بنام فارابوند و مارتی و جبهه
انقلابی - دموکراتیک در سالوادور و جلوگیری کنند " نه " بگویند ، به درود ستم سوموسا که برای
خانواده های نیکاراگوئه غم و رنج فراهم آورد " نه " بگویند و با مقاومت شدیدی مانع کشاندن

۱ - فرانسیسکو مورا سان . شخصیت کشوری و لشکری قرن گذشته است . در سال های ۱۸۳۹ - ۱۸۳۰
پرزیدنت فدراسیون ایالات متحد و امریکای مرکزی بود . چند اصلاحات مترقی را تحقق بخشید .

هند وراس به جنگ جنون آمیز علیه مردم قهرمان ساند پنهان شوند .

کمونیت های هند وراس که گرد کمیته مرکزی حزب کمونیت هند وراس متحد گردیده اند از خط مشی ماه فوریه پیروی میکنند و هرگونه کوششی را برای ایجاد تفرقه در صفوف حزب بمنزله دسمه دشمنان رد میکنند (۱) .

ما اشکال تازه ای برای گسترش دامنه جنبش خود را میجوئیم و میبایم به خواستار وحدت با سایر نیروهای دموکراتیک و انقلابی میباشیم . ما طرفدار اتحاد با کلسا ، با احزاب سیاسی اپوزیسیون و با محافل دینیه و ملیست که خواستار دموکراسی واقعی ، استقلال و ترقی هند وراس و خواستار کشوری بدون زندانیان سیاسی ، بدون زبون انسانها ، بدون ارتشهای خارجی که حق ما را در سرزمین ما نقض میکنند ، هستیم . ما طرفدار تمام نیروهای هستیم که از احترام به حقوق تعیین سرنوشت و ایجاد شرایطی پشتیبانی میکنند که مردم ما بتوانند از احساس شرم بخاطر وضع وابسته کنونی خود رهایی یابند و با سر بلند ی به چشم خلقهای دیگر بنگرند .

ما اعتقاد راسخ داریم که وحدت و اتحاد مشترک تمام نیروهای سیاسی و اجتماعی که قصد دارند از فاشیستی و ملیتاریزه شدن کشور جلوگیری کنند پیروزی را تضمین میکند . ما نه فقط بدین باور داریم ، بلکه میدانیم این پیروزی ، حتی اگر لازم شود در فاصله زمانی میان کشت و درو و محتمل تلفات سنگینی هم بشویم ، بدست خواهد آمد .

دروغ پردازی درباره «تجاوز کاری» کمونیسم

آندره آس فانتیس

معاون دبیرکل حزب مرفی خلق
زحمتکش قبرس (آکل)

طراحان استراتژی واید تولوگ های محافظ مرتجع امپریالیسم کاوشی تشدید و خامت بین المللی پیروی میکنند بر ضرورت در پیش گرفتن مشی "خشن تری" نسبت به احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی ، نیروهای چپ و شرکت کنندگان در جنبش های ضد جنگ هر چه بیشتر تأکید میورزند . ملل چنین "خشنوتی" مانند کافی مفهوم است .

از یکسو ، ناتوانی آشکار هر چه بیشتر برای پاسخگویی به فراخوان کمونیست ها بمنظور حل و فصل مسائل اجتماعی - سیاسی بنیادی ، از سوی دیگر قصد پیروزی در ریکاربا سوسیالیسم موجود (به هر قیمت که شده) محافظ ارتجاعی حاکم کشورهای سرمایه داری را بر زمینانگیزد که با نیروی بیشتر به طبل تبلیغات شدید در اطراف "خطر کمونیستی" بکوبند . در همین حال وقتی کمونیست ها از تعرض علیه سرمایه داری سخن میگویند ، صحبت بر سر مسأله اقتصاد سلامت آمیز و سیستم اجتماعی و ضرورت تبلیغ فعالانه اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و تشکیل پیگیر آگاهی طبقاتی کارگران در مبارزه آنها در راه حقوق خودشان است .

در کنگره پانزدهم آکل (ماه مه سال ۱۹۸۲) بر این نکته تأکید شد که : " ما باید به کار خود در جنبه ایدئولوژیک که میباید دامنه آنرا توسعه داد ، اهمیت بیشتری بدیم " . در شرایط مشخص بین المللی و داخلی که بوجود آمده هنگامیکه امپریالیسم و ارتجاع راستگرای افراطی حمله ایدئولوژیک خود علیه سوسیالیسم ، اتحاد شوروی و درون کشورهای حزب ما را تشدید میکنند ، کار ایدئولوژیک اهمیت کاملاً ویژه ای کسب میکند . ما با کار خود در این عرصه باید به آیدئولوژی ایدئولوژیک هر چه بیشتر تمام حزب کمک کنیم . باید در راه آزارمان های والای سوسیالیسم و کمونیسم دفاع کرد . . . (۱) .

۱ - اسناد و مدارک پانزدهمین کنگره آکل ، ۱۳-۱۶ ماه مه سال ۱۹۸۲ ، صفحه ۵۰ (بزبان یونانی)

۱ - کمونیست های هند وراس خط مشی فوریه برنامه عملی را مینامند که پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست هند وراس در فوریه سال ۱۹۸۰ مطرح ساخت و بر اساس امکان بدست گرفتن حاکمیت از طریق مبارزه خود را ای مسلحانه تهیه و تدوین شده است .

کمیونست ها امکان هرگونه سازش میان ایدئولوژی های سوسیالیستی و بورژوازی را رد میکنند. آنها با اعتقاد کامل به ماهیت ضد انسانی و ارتجاعی سیستم نظریات بورژوازی آشکار علیه آن مبارزه میکنند. مارکسیسم بمنزله یک ایدئولوژی با اندیشه های کمپوزوازی تبلیغ میکند آشتی ناپذیر است و آنها بد ریجانی گنجد. در ضمن نقطه نظر اصولی مارکسیست ها عبارت از این است که آشکار مبارزه ایدئولوژیک نباید به عرصه مناسبات بین المللی کشانده شود. مبارزه ایدئولوژیک به هیچوجه مستلزم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها نیست. سیاست همزیستی مسالمت آمیز مفهم مارکسیستی - لنینیستی آن عبارت از این است که هر یک از سیستم ها نمونه و سرمشق خود و نه با اسلحه، نشان بد هد که کدامیک از آنها بهتر است. کمیونست ها مقدم بر هر چیزی نمونه های شریفی خدمت به مردم برتری اند. پشمه های خود را به اثبات میرسانند و ملاحظه نمودن ها را بخود جلب میکنند. ولی آشتی کمیونست در عرصه ایدئولوژی هم بهمان وسائلی که در عرصه اقتصاد و سیاست بکار میگردد، مانند خرابکاری، فشارها و تجاوزکارانه و دروغ آشکار، متوسل میشود. بنوع خود امپریالیسم هم شگرد های "جنگ روانی" و مبارزه ایدئولوژیک را به عرصه مناسبات میان کشورها میکشاند.

و. ای. لنین با ورناندی یعنی هشدار میداد که تبلیغات بورژوازی با امید بی اعتبار ساختن سوسیالیسم در نظر توده های زحمتکش و موجه جلوه دادن تدارکات جنگی خود همواره دستاویزی پیدا میکند که در باره باصطلاح "میلتاریسم سرخ" سروصدارها بیندازد. لنین در باره مؤلفین این قبیل افسانهها میگفت: "... اینها شاید ادبی هستند که وانمود میکنند گویا آنها به این سخن اهلخانه باور دارند و با استفاده از عبارات خود، همانند وکیل مدافع، در سرهم بندی کردن دلایل جعلی و گرد و خاک پاشیدن به چشم توده ها اتهاماتی را چپ و راست اشاعه میدهند" (۱).

اظهارات ایدئولوژیک های بورژوازی مبنی بر "توسعه طلبی"، "صدور انقلاب" و حتی "خطن برای صلح" که گویا از اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ناشی میگردد پایه و اساس افسانه مربوط به "تجاوزکاری" کمیونست را تشکیل میدهند. تجربه مبارزه کمیونست ها با تهاجمات ظاهر ایدئولوژی سرمایه نشان میدهد: باز شناختن اقدامات تبلیغاتی، از یک سو و سیاست واقعی محافل ارتجاعی از سوی دیگر و تشخیص هد فبائی که اعلام میشود و نتایج واقعی که با وقت و وسواس مخفیس نگهداشته میشوند حائز اهمیت است. از نمونه های بارز یکی هم این است که درست وقتی که در نظر است "شکار نهانرا مطلوب" را آغاز کنند، مبلغین امپریالیسم بیژ از هر وقت دیگری درباره "نقض حقوق بشر" در کشورهای سوسیالیستی سروصدار می اندازند. هنگامیکه به رژیم های طرفدار فاشیسم و تروریست مطلوب سرمایه انحصاری "چراغ سبز" نشان میدهند، کمیونست ها و فعالین جنبش آزاد بیخش ملی را به تروریسم متهم میکنند. زمانی هم که خود را برای تحریکات نظامی توتی یادور

تازه ای از سابقه تسلیحاتی آماده میسازند اندیشه "خطر سرخ" را به میان میآورند. آنچه نمونه و گواهی از دوران "جنگ سرد" است، از بدگاه درک ماهیت آنتی کمیونست و آنتی سوسیالیسم، اشکال معاصر آنها و افشای ریاکاری و کذب نظریه "توسعه طلبی کمیونستی" بهیژه آموزنده است. عملاً، به ناصحیه ای از پایان جنگ جهانی دوم نظریه "تجاوزکاری" کمیونست بوسیله ماشین تبلیغاتی کشورهای امپریالیستی، بهیژه بریتانیا و کبیر و ایالات متحده آمریکا، با تمام قدرت ممکن آن مورد بهره برداری قرار گرفت. ارتجاعی ترین محافل این کشورها از زبان و. جرجیل که در مارس سال ۱۹۴۶ در دانشگاه فولتن سخنان جنگ افروزانه ای ایراد کرد، نقشه لشکرکشی علیه کمیونست به بهانه "دفاع از تمدن غرب" را اعلام کردند.

در آن دوران طراحان استراتژی مشی خارجی کشورهای امپریالیستی، نظیر برادران دالس مشهور، بهیچوجه فقط به "متوقف ساختن" کمیونست قانع نبودند. آنها هد فبائی را هم که می آمد های در ورود رازی داشت دنبال میکردند و مانند "آزادی اروپای خاوری" و "عقب راندن کمیونست" نقشه دالس که در نخستین سال حاکمیت دستگاه اداری اینها مطرح شد برانگیختن حد اکثر اغتشاش و بی نظمی و "مقاومت مردم" در تمام کشورهای "بلوک شوروی" را پیش بینی میکرد. علاوه بر پشتیبانی مستقیم از گروههای ضد انقلابی "پهروی از استراتژی سیاسی هدفمند و جدی بطور خستگی ناپذیر در تمام عرصه ها و با تمام وسایل اعم از نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک، مخفیانه و آشکار" هم پیش بینی میشد.

این نقشه که به حمایت ایدئولوژیک افسانه مربوط به "تجاوزکاری" کمیونست متکی بود، تهدید مداوم به "جنگ سراسری و همه گیر" علیه اتحاد شوروی ("حفظ توازن در آستانه جنگ") بمنظور اعمال فشار نظامی و شانناژ سیاسی را در نظر میگرفت. جامعه کشورهای سوسیالیستی، طبق این نقشه باید از هم می پاشید. در سندن دیگری از همان دوران گفته میشد که "جنگ جهانی" بسا منافع ایالات متحده مطابقت میکند، زیرا امکان میدهد پس از تسویه حساب با اتحاد شوروی نوبتی "ارگان حاکم جهانی" ایجاد کرد و عبارت دیگر همونی جهانی ایالات متحده آمریکا را برقرار ساخت. بطوریکه میدانیم، مقدر نبود که این نقشه ها مرحله اجرا در آیند. با وجود این روح زبان بخش "دکترین عقب راندن" که در هواپیما های امریکائی تجسم یافته بود، اندکی بعد بر فراز سرزمین های کره، ویتنام، لائوس، کامبوجی و سایر کشورهای مستقل بهیروز آمد.

مدارک و اسنادی که از یانگانی ها بیرون کشیده شده و مضمونشان با اطلاع مردم رسیده، اینک امکان میدهد آنچه را که ماشین ایدئولوژیک امپریالیسم امریکالا زم می بیند در پس پرده های معمول در باره خطر "هجوم کمیونست زخاوری" مخفی کند با همان سیمای ناهنجارش در نظر

مجسم کنیم . آنها ماهیت ایدئولوژی کنونی ایالات متحد و امریکاراهم کمازینابین قالب کهنه تبلیغاتی
را علم کرده است روشن میکنند . با بنیاد آوری تاریخ اکنون هم در آنها همان انگیزه ها و هدفهای
سیاسی واقعی را باید دید که با دعای " صلح دوستانه " بشدت مغایر است .

این دلیل جعلی که گاهش تشنج موجب برتری نیروی سوسیالیسم میگردد بمنزله برهانی
برای بازگرداندن روح " جنگ سرد " از دوران گذشته مصرانه مورد استفاده قرار میگیرد . بطور مثال
ر . بارتسل ، لیدر سابق اتحاد و موکرات مسیحی آلمان فریب ، در ارزشهایی نتایج گاهش تشنج
درست از همین مواضع برخوردار میگردد . او در کتاب خود بنام " روی بند سیمی " مصرانه این اندیشه
را دنبال میکند که گویا گاهش تشنج بین العلی فقط بمسود اتحاد شوروی و کمونیست ها است . بارتسل
میگفت ، تعمیق گاهش تشنج در زمینه افزایش نفوذ احزاب کمونیست در یک سلسله از کشورهای غربی
غرب را با خطر " از دست دادن آزادی در قبال صلح نوع شوروی " (۱) تهدید میکند . طراحان
استراتژی امپریالیست ها را مخرج از وضعی راکه پیش آمده از خود رتشدید رویارویی با جهان سوسیالیسم
و آغاز " جنگ صلیمی " تازه علم آن می بینند .

شیوه زندگی کنونی ایدئولوگ های بورژوازی آشکارا خاصیت دوران " جنگ سرد " را بخوبی
میگیرد که عبارتند از : تحریف آشکار و قاطعانه هدفها و نیات کشورهای سوسیالیستی ، تحریف اصول
سیاست خارجی آنها ، جعل حقایق و تفسیر بازگفته واقعات تاریخی ، تلاش برای وانمود کردن
هیالات واهی بشکل " گزارش های ویژه " علمی مانند شبیه به حقیقت یا " ارزشهایی های کارشناسان "
و مانند اینها . همچنین بمقیاس گسترده " پیش بینی های " تحریک آمیز " درباره اقداماتی که تصور
میروند انجام گیرد : مانند " احتمال " تصرف منابع نفت در منطقه خلیج فارس از طرف " اتحاد
شوروی " .

ب . نیتسه مشاور کل کاخ سفید در مسائل کنترل تسلیحات ، کاملاً با روح چنین شیوه
زندگی درباره " پشتیبانی اصولی " تروریسم از طرف اتحاد شوروی ، درباره " کمک قطعی " به
" بریکاد سرخ " در ایتالیا ، درباره " تحریکات محتمل " از طرف " عمال بلوک شوروی " به گروگان گیری
اتباع امریکائی در ایران و مانند اینها پر حرفی میکند . از مجموعه این سخنان بچوبی معنی است که
مشی استراتژیک ایالات متحد و امریکاد رساله های ۸۰ بدین مضمون نتیجه گیری میشود :
" . . . تغییر موضع دولت امریکاد رجعت احیای اجباری قدرت خود ، از جمله نیروی نظامی بمنزله
پشتیبان ضروری سیاست خارجی سازنده " (۲) .

1 - Rainer Batzel, Auf dem Drahtseil, Bonn 1978, S. 218.
2 - Paul Nitze, Strategy in the Decade of the 80s, "Foreign Affairs", 1980, vol. 59, Nr. 1, pp. 91, 95.

هدف این قبیل شگرد هافقط یکی است و آن اینکه مسئولیت تشدید و خامت اوضاع بین
العلی را بمسود و اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اندازند . در ضمن " تجاوزکاری کمونیستی "
را از همه چیز بمعنی کامل این گمراه کننده نتیجه میگیرند : از ایدئولوژی مارکسیستی که گویا سمنی در شاهه خود
با اعمال زور دارد ، از معضلات و دشواریهای کشورهای سوسیالیستی با آنها روبرو هستند و راه دیگری
غیر از توسعه طلبی گویا برای آنها باقی نمیگذارد و مانند اینها . آنچه در این پرده و دور پرگوشی در
باره " تجاوزکاری " کمونیسم نهفته است ، عبارت از هلاقه جنون آمیزه متزلزل ساختن اقتصاد به
سوسیالیسم موجود ، ترساندن افراد بی اطلاع ، گاهش از جاذبه اندیشه های سوسیالیستی برای
توده های مردم ، تشریح انجام تبلیغات گسترده ضد کمونیستی و نهایت جلوگیری از گسترش جنبش
انقلابی در جهان و کاستن از حدت مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه است .

معنی و مفهوم اقدامات سیاسی واقعی محافظ حاکمه کشورهای سرمایه داری روشن تر
از هر جای دیگر در " نمونه های " سیاست پرچمداران یعنی ایالات متحد و امریکا آشکار میگردد .
دستگاه اداری واشنگتن با ابراز دشمنی آشکار از طرف محافظ ضد شوروی ضد کمونیست امپریالیسم
امریکا - ناتوی که کین و تنفرگورشان کرده است ، اعلام میدارد که هدف ایالات متحد و امریکاد و عرضه
سیاست نظامی " نابود ساختن سوسیالیسم بمنزله سیستم اجتماعی - سیاسی " است .

سنای ایالات متحد و امریکا ، چنانکه میدانیم ، بودجه نظامی سال ۱۹۸۶ را به میزان
۳۰۳ میلیارد دلار یعنی خیلی بیشتر از بودجه سال جاری بتصویب رساند . هزینه لازم برای
تحقق نقشه های " جنگ ستارگان " تقریباً سه برابر خواهد شد . مجموعه این اقدامات شک و تردید
در باره هلاکجهدی واشنگتن به محدود ساختن تسلیحات را افزایش میدهد . در این حال این نیز
از نوع موارد همان حال است که استدلال برای اثبات لزوم آن بودجه با تبلیغات پر دامنه و
بی بند و بار توتلی درباره " تجاوزکاری بالقوه " اتحاد شوروی ، درباره نقض مکتوب " قطعنامه "
تعهداتی که در ارتباط با خلع سلاح بمسود گرفته و مانند اینها همراه است . دستگاه اداری امریکا
هم که هدفش کشتادن سابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی است و به این قبیل با اصطلاح دلائل
اتکا میکند . این نقشه های خطرناک مرگبار اشباع فضای کیهانی با انواع تازه تسلیحات به سردم
بمنزله " راهپایی که به صلح و امنیت منتهی میگردد " (۱) عرضه میشود . مطلب را اینطور وانمود میکنند
که گویا سیستم ضد موشکی بمقیاس گسترده امکان میدهد فشار را از تسلیحات اتمی تنها جوی بمسواقل
د فاهی منتقل کرد و که گویا ایالات متحد و امریکا برای دست یافتن به برتری نظامی و سیاسی " تلاش
نمیکند " بلکه " راه بر طرف ساختن خطر جهنگ هسته ای را پیشنهاد " میکند (۱) .

1 - International Herald Tribune, February 23-24, 1985, p. 4.

اما، در ارتباط با اظهاراتی که در باره تایلند " صلح دوستانه " طرفداران " جنگ ستارگان " میشود باید گفت، در اینجا، پرده ای را که حقایق را در پس خود پنهان ساخته، خود ژنرال هائی که در حقیقت از بیای تبلیغاتی مهارت زیادی ندارد بالا میزنند. اولد ریچ معاون وزارت نیروی هوایی نظامی آمریکا، چندی پیش هدفهای استراتژیک و سیاسی نقشه امریکایی علیه تایلند را در فضای کیهانی را بطرز کاملاً روشنی تشریح و توصیف نمود. او گفت، قدرت تصور زیادی برای درک این نکته لازم نیست که ملتی که فضای کیهانی را در کنترل خود داشته باشد میتواند سراسر جهان را زیر کنترل خود بگیرد. در یک بخشنامه نظامی که مضمونش چندی پیش انتشار یافته است، فضای کیهانی " پتانسیل و امکانات نامحدودی برای عملیات نظامی و محلی کمنیروی هوایی نظامی در آنجا میتواند تمام عملیات و وظائف خود را انجام دهد (و با آنجا پشتیبانی کند) تأمین مینماید ". روزنامه " واشنگتن پست " ضمن تفسیری برای سند پنتاگون (۱۵ ژانویه سال ۱۹۸۵) اعلام میکند که ایالات متحده آمریکا سیاستی را تعقیب میکند که " تأمین برتری در فضای کیهانی " در آن پیش بینی شده است. بدین ترتیب استفاده از ظرفیت کارهای اید کولوزیک در باره " دفاع " و مصالح " تأمین صلح " با آنچه که واقعاً مضمون سیاست رهبری امریکای شکست میدهد (یعنی مشی رویارویی خطرناک با جهان سوسیالیسم)، تضاد آشکاری پیدا میکند.

مسئله ای که به وظائف، اشکال و همبندی های مبارزه طبقاتی مربوط میشود مدتها پیش از طرف کمونیست ها حل و فصل روشن و اصولی خود را یافته است. هدف آنها ساختن جامعه سوسیالیستی و پس از آن کمونیستی است. ولی سوسیالیسم، بطوریکه ک. مارکس و ف. انگلس نوشتند در واقع نظام کهن، نظام سرمایه داری میرسد. کهنه، تحت تأثیر تضاد های درونی خودش خراب میشود. موضع فلسفی، اجتماعی و سیاسی مارکسیست ها مبتنی بر این است که در سست تضاد های درونی سرچشمه پیشرفت هر سیستم اجتماعی است و این پیشرفت با شکل مختلفی که وابسته به شرایط مشخص است ولی همیشه تحت تأثیر قوانین عینی و دربر تواتنها انجام میگیرد. پروسه عینی را از خارج به پیش راندن، تحمیل نظام اجتماعی که بیگانه با خلق و پاکشوری است بد آنها (با هرگونه وسیله " قدرتمندانه " سیاسی یا نظامی که باشد) استراتژی است که وجه مشترکی با مارکسیسم ندارد.

در زمینه تاریخ استراتژی واشنگتن قابل قبول ترین راه، راهی بنظر میرسد که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد میکنند و آن این است که نیروهای که رود روی یکدیگر ایستاده اند در باره قطع فوری مسابقه تسلیحاتی در روی زمین و راه اندادن آن به فضای کیهانی متوافق برسند و کاهش رادیکال تسلیحات هشتمه ای را با در نظر گرفتن هدفهای آنها کامل

آنها آغاز نمایند. عامل مهم امیدوارکننده برای نیروهای صلح دوست مشی پیگیر اتحاد شوروی در جهت تحقق کاهش واقعی و چشمگیر تسلیحات گردآوری شده است، نه ایجاد سیستم های تازه اسلحه. اتحاد شوروی بیکار دیگر حسن نیت خود را نشان داده و بطوریکه جانیه تا نوامبر سال جاری استقرار موشک های با برد متوسط را متوقف ساخت و از اتخاذ تدابیر دیگری در پاسخ به اقدامات تسلیحاتی غرب در اروپا صرف نظر کرد. همچنین پیشنهاد شد که اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا در تمام دوره مذاکرات مربوط به مصلح سلاح در ژنو ایجاد آزمایش تسلیحات ضربتی ویژه فضای کیهانی و استقرار آنها را (از جمله کارهای علمی پژوهشی را) متوقف سازند و تسلیحات تهاجمی استراتژیک را در سطح کونی نگه دارند. بدین ترتیب شرایط یک دیالوگ شرافتمندانه بوسیله اتحاد شوروی فرمول بندی شده است: اگر ایالات متحده آمریکا واقعا در کاهش رادیکال تسلیحات ذینفع است منطقی بود که از طرف آمریکا استقرار موشک های با برد متوسط در اروپا متوقف گردد. بدین معنی که اول مسابقه تسلیحاتی متوقف شود تا بعد بتوان کاهش آنها آغاز کرد. به پیشنهادات تازه اتحاد شوروی، بمنزله پیشنهاد هائی سازنده و واقعا صلح دوستانه، از طرف بسیاری از شخصیت های برجسته سیاسی و اجتماعی ارزش بسیار داده شده است. اما، واکنش واشنگتن نسبت به این ابتکار ها چگونه است؟ تدابیری که رهبری شوروی پیشنهاد کرده است میتواند مستند جو مساعد تراضی در مذاکرات ژنو وجود آورد از طرف آمریکا بحدی که بدین شتابزده ای روی برد فاست.

و راجع اید کولوزیک های امریکاییسم در باره " خطر از درون " از طرف جنبش کمونیستی و کارگری و نیروهای آزادی ملی هم از اجزا " متشکله نظریه " تجاوز کاری " کمونیسم است. امریکاییسم علیه آنها به جنگی مرکب از دست زده است، چون آنها را دشمنان خطرناک داخلی خود بشمار میآورد و لا غیر. عامل عمده ای که در ضمن برای ترساندن مورد استفاده قرار میگیرد اتهام به تروریسم است که گویا نیروهای آزادی اجتماعی و ملی بدان متوسل میشوند.

با نظری به پشت این " پرده " اید کولوزیک درک این نکته دشوار نیست که سخن مقدم بر هر چیز بر سر نگرانی صحافان حاکمه ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی از دامنه مبارزه در راه صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی و از امتحان جنبش انقلابی و موفقیت های انقلابی آزادی بخش ملی است. همه کسیندر ضمن اندیشه و تأمل در باره تغییرات قابل توجه اجتماعی - سیاسی که طی سالهای اخیر در کشورهای در حال رشد رویداده میگفت برای غرب چیزی وحشتناک تر از بختک " آفریقای سیاه سرخ " نیست. او در مصاحبه ای با مجله انگلیسی " اکونومیست " بدون رود رواسی اعلام میداشت که باید در نظر گرفتن وضعی که در جهان پدید آمده ایالات متحده آمریکا " ناگزیر از بازگشت به نقش رهبر است " (۱). کشفیات وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده را

سیاست عملی دستگاه اداری کنونی ریگان تأیید میکند .
 اعلام نواحی وسیعی از جهان بمنزله " مناطق منافع حیاتی ایالات متحده امریکا ،
 نقشه‌های گسترش فعالیت ناتود منطقه اطلانتیک جنوبی ، ایجاد گروه بندبهای نظامی - سیاسی
 تازه ، تشکیل نیروهای ضربتی ویژه در حوضه دریای کارائیب وتوسعه حضور نظامی مستقیم در
 خاور نزدیک همه این مجموعه تدابیر گواهِ برخط مشی ایالات متحده در جهت ایجاد مانع در راه
 درگونی‌های بنیادی اجتماعی و ضد امپریالیستی در کشورهای در حال رشد است . واشنگتن به
 بهانه دفاع از " منافع ملی " نامملومی به اعمال زور و خشونت و مداخله نظامی ، سرهم بندی کردن
 دسته‌های اشرار ضد انقلابی که تحت حمایت امریکا علیه دولت‌های قانونی کشورهای خود عمل میکنند
 دست میزند . واشنگتن ارتجاع داخلی را بمنظور تثبات ساختن وضع سیاسی در این کشورها تشویق و
 ترغیب میکند بطور مستقیم یا غیر مستقیم سلطه خود را بر آنها تحمیل مینماید . فراخوان به گسترش
 مداخله مستقیم در امور خلقهای قاره امریکای لاتین هر چه بیشتر بگوش میرسد .

مقاصد تجار و کارخانه دستگاه اداری ایالات متحده در سخنان ج . شولتز در سانسفرانسیسکو
 از جمله در اظهارات آشکار او در باره امتیازات امپریالیسم امریکا در مورد نیکاراگوئه کاملاً صریح بیان شده
 است . اگر تا همین اواخر تریب و زعلیه آن با کوشش بمنظور " ممانعت " از واگذاری واهی اسلحه بسمه
 پارتیزان‌های سالوادور توجیه میشد ، حالا دیگر این وسائل استتار بمنزله چیزی اضافی بدور انداخته
 شده اند . در واقع بمنیکاراگوئه اولتیماتوم داده است : یا امتناع از سیاست داخلی و خارجی مستقل
 یا مداخله نظامی مستقیم امریکا برای سرنگون ساختن دولت قانونی . طراحان استراتژی امریکا
 ضمن ادامه جنگ اعلان نشده علیه نیکاراگوئه ، بطور خستگی ناپذیری از خطر " نفوذ کمونیسم " در
 نیمکره غربی و تهدید امریکای مرکزی به پایگاهی برای " عملیات خرابکارانه " سخن میگویند . در همین
 حال اظهار میشوند که پشتیبانی از اردو دسته " کونتراس " از لحاظ اخلاقی جایز است و با امنیت ملی
 ایالات متحده امریکا ارتباط نزدیکی دارد (۱) .

آنتی کمونیسم معاصر موفقیت‌های جنبش آزاد بیخشی ملی و افزایش تعداد کشورهایایی را
 هم که دارای سمبلیسم سوسیالیستی میباشند ، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم با " توسعه طلبی "
 کمونیستی مربوط میکند . افسانه " تجار و کاری " اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و
 دشمن " خطر رونی کمونیسم " بشدت بهم پیچیده و درهم شده و یکدیگر را تکمیل میکنند . این
 پدیده که تئوسی " همزیستی " ایدئولوژیک است ، رسالت دارد احزاب کمونیست را در برابر محافل
 گسترده اجتماعی بی اعتبار سازد . گسترش و تکامل روابط انترناسیونالیستی بوسیله احزاب برادر

واقعیتی ضد ملی اعلام میشود . ولی هدف واقعی که در ضمن کاملاً استتار میشود عبارت از این است
 که با هر جعل و تقلبی که شده هم‌آهنگی عمل کمونیست‌ها و تمام نیروهای مترقی در مبارزه مشترکشان
 در راه صلح و ترقی اجتماعی را دشوار سازند . از این شگرد بطور گسترده برای تحریف خلصت
 مناسبات میان جنبش‌های کمونیستی و ملی - دموکراتیک هم استفاده میشود .
 ماهیت نظریه " خطر داخلی برای جهان آزاد " و یا گرایش به " عملیات خرابکارانه "
 که گویا ویژه جنبش‌های کمونیستی و کارگری و آزاد بیخشی ملی است برونش در مناسبات کشورهای
 امپریالیستی با قهرس چشم میخورد . ضد کمونیست‌ها با تصور کردن حزب ما بمنزله " دشمن داخلی "
 که طبق دستورات " ازخارج " عمل میکند ، به حزب ما تهمت و افترا می‌بندند .

جمهوری فائوتوانست از دایره فعالیت آنتی کمونیسم برکنار ماند . امپریالیسم هیچوقت
 نسبت به قهرس بی تفاوت نبوده و نمیتواند باشد . منافع اقتصادانی غارتگرانه سرمایه بین‌المللی در
 منطقه‌ای که همسایه ما است و از لحاظ منابع نفت فنی است در ترکیب با آنچه کشورهای سرمایه داری
 منافع استراتژیک " حیاتی " خود بشمار می‌آورند ، امپریالیسم را مبارزه شدیدی علیه نیروهای مترقی
 و دموکراتیک جزیره و بطور عمده علیه حزب ما بر می‌انگیزد . امپریالیسم بین‌المللی میکوشد آنچنان
 زاحل‌هایی برای مسائل روزنی به قهرس تحمیل کند که منافع انحصارها باشد و امکان بدهند
 جزیره تابع نفوذ سیاسی و نظامی آنها گردد .

طراحان استراتژی ناتو نسبت به قهرس از روزی سیاست ضد کمونیستی در پیش گرفته اند
 که جزیره (اگرچه نه بطور کامل) مستقل اعلام گردید . سیستم " استخدام " عمل ضد کمونیست
 از طریق سیا و سازمانهای نظیر آن ، از قبیل پ . گئورگاد زیس وزیر کشوره از مدت‌ها پیش آماده و مشغول
 بکار شده است . او در رأس جریان تبلیغاتی گسترده ضد کمونیستی در جزیره بود و پرداخت مسؤ
 عمل خود را هم سیا به او واگذار کرد . برای این مقصود هم ، طبق اخبار موثق ماهانه ۶۰ هزار دلار
 اختصاص داده شد . آنچه برای ضد کمونیست د و آتشه ای مانند پ . گئورگاد زیس تهیه بود مصاحبه
 مطبوعاتی بود که با مجله نیمه رسمی " آگون " در سال ۱۹۶۳ بعمل آورد و ضمن آن بشدت به آکسل
 حمله کرد و اظهار داشت که " میان یونانیان قهرس برای کمونیست‌ها جایی وجود ندارد " ، و تمام ملی
 گرایان " صاحب عقل سلیم " را به " هشیاری " فراخواند تا با جنبش کمونیستی و کارگری و از جمله آکل
 مقابله کنند .

سیاست ضد کمونیستی ضد آکل امپریالیسم ، ویژه امپریالیسم امریکالیت اساسی تیرمروزی
 مردم قهرس است . بطور مثال ، انتشار " راهنمای " ویژه ارتش امریکا در باره قهرس که وسیله آموزشی
 برای نظامیان در صورت پیاپی کردن نیروی قهرس است گواهِ نقشه‌های سیطره و جویانه ایالات متحده

امریکا نسبت به کشورها و خلق ما است .

حمله مسلحانه وحشیانه ارتش ترکیه به قبرس و ادامه اشغال ۳۷ درصد از اراضی جزیره
تحقق واقعی نقشه‌های امپریالیستی و خیانتی نفرت انگیز علیه جمهوری ما بود .

امپریالیسم امریکائی - ناتوی ، پیر از این حمله مسلحانه هم به سیاست پیشین خود
علیه مردم قبرس ادامه میدهد . همانطور که چندین پیش پنجمین بلنوم کمیته مرکزی و کمیته تفتیش مرکزی
حزب ما خاطر نشان ساختند ، " به تحریک ، رهبری و تحریر امپریالیست ها تلاشهای شدیدی به
عمل می آید و منظور ایجاد جبهه ضد کمونیستی و ضد آکل توطئه چین میشود . " (۱) .

مانع اساسی بر سر راه تحقق نقشه‌های امپریالیستی در جزیره ما رواق حزب مترقی خلق
زحمتکش قبرس است . به همین سبب است که امپریالیسم در تلاش برای بستن قبرس به عراده خویش
مطمئن خود ساختن آن از لحاظ سیاسی ، تبدیل آن به " ناوهوا پیمای برغرق نشدنی " و پایگاه علیه
رژیمهای مترقی و جنبش آزاد بیخش در منطقه ، در سالهای اخیر تبلیغات ضد آکل خود را تشدید
کرد و میگوید حزب ما را خفه کند و جنبش کمونیستی را بدنام سازد .

برغم تمام دشواریها ، آکل علیه استراتژی امپریالیسم بسرپرستی محافل حاکمه ایالات متحده
امریکا که هدف آن تابع منافع سرمایه انحصاری ساختن اقتصاد و سیاست کشورهای در حال رشد
است مبارزه میکند . ما همواره متوجه این هستیم که آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم سلاح های اصلی
است که ایدئولوژی های مرتجع بورژوازی بوسیله آنها بطور مداوم علیه ما رکیسم - لنینیم و کشورهای
سوسیالیسم موجود و تکیه گاه صلح یعنی اتحاد شوروی مبارزه میکنند . حزب ما در قرارهای خود
همواره ضرورت مقابله با تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی و افشای دروغهایی را که اشاعه میدهند
خاطر نشان میسازد و بطور خستگی ناپذیر تاکید میکند که تبلیغ جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی
حفظ پاکیزگی ایدئولوژی ما و دفاع دلیرانه از آن در برابر هرگونه حمله و تحریف از راست و از " چپ "
حائز اهمیت است .

کمونیست ها که در نخستین صفوف مبارزان در راه صلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی گام
بر میدارند ، اینک از پشتیبانی هر چه گسترده تر توده های مردم برخوردار میگردند و با سر مشق قرار
گرفتن برای آنها ، آنان را با آرزوهای جاویدان مارکسیسم - لنینیسم جلب میکنند ، و این سهیم
عظیمی در امر آینده تمام جامعه بشری است .

۱ - اسناد و مدارک پنجمین بلنوم کمیته مرکزی و کمیته تفتیش مرکزی آکل ، سال ۱۹۸۴ ، صفحه ۸
(بنیان یونانی) .

اجلاسیه مشورتی دیران کمیته های مرکزی احزاب برادر کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی

در روزهای ۲۰ و ۲۱ مه سال ۱۹۸۵ ، طبق قرار کنفرانس اقتصادی کشورهای عضو

شورای تعاون اقتصادی در سطح عالی درباره تشدید کار جمعی احزاب برادر در عرصه تکامل همکاری
و تبادل تجربه ساختمان اقتصادی ، اجلاس مشورتی دیران کمیته های مرکزی احزاب کمونیست
و کارگری عضو شورای تعاون اقتصادی و ویژه مسائل اقتصادی در مسکو برگزار شد . در آن نمایندگان
حزب کمونیست بلغارستان ، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ، حزب کمونیست ویتنام ،
حزب سوسیالیست متحد آلمان ، حزب کمونیست کوبا ، حزب انقلابی خلق مغولستان ، حزب
متحد کارگری لهستان ، حزب کمونیست رومانی ، حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست
چکسلواکی شرکت جستند .

در این اجلاس مشورتی درباره کار احزاب در عرصه تحقق توافق هایی که در کنفرانس

اقتصادی حاصل شده بود تبادل تجربه بعمل آمد . قید گردید که در تمام کشورهای برادر در ورنا
های ترقی همه جانبه هر چه بیشتر و تکامل جامعه سوسیالیستی تا سال ۱۹۹۰ و حتی تا آخر قرن
بیستم معین میشود . این کار بر پایه قرارهای کنگره های احزاب کمونیست و کارگری عضو شورای تعاون
اقتصادی و با در نظر گرفتن جهات عمده استراتژی در ازمدت و پیشرفت اقتصادی و تعمیق همکاری
مقابل که در کنفرانس مسکو مورد توافق قرار گرفت انجام میشود . شرکت کنندگان در اجلاس با توافق
از اینطور اظهار عقیده کردند که تحقق پیگیری قرارهای کنفرانس اقتصادی عامل مهمی در پیشرفت
هر چه بیشتر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تحکیم وحدت و یکپارچگی آنها است .

در مسائلی که برای طرفین جالب بود مذاکرات هم آهنگی سیاست اقتصادی و تحقیق میباید
برنامه های دو جانبه همکاری اقتصادی و علمی - تکنیکی برای دوران تا سال ۲۰۰۰ تهیه و تصویب
میشود . هم آهنگی برنامه های اقتصادی ملی ویژه پنج سال آینده در شرف اتمام است و موافقت نامه
های عظیم چند جانبه بمنظور کوپرا تیون نمودن تولید و بهره برداری مشترک از منابع طبیعی در دست
تهیه است . توافق در زمینه همکاری در عرصه ماشین سازی ، تولید انرژی و در رشته های مواد سوخت

مواد خام از جمله آنهاست . همکاری اقتصادی و علمی و تکنیکی بمقتده همگان نقش روزافزونی در افزایش تولید اجتماعی کسب میکند .

شرکت کنندگان در اجلاسیممشورتی درباره دایره گسترده ای از مسائل مربوط به امر رهبری در افزایش شریکشی اقتصاد سوسیالیستی از طرف حزب تبادل نظر کردند . در نتیجه تدابیری که ارگان های حزبی و دولتی اتخاذ میکنند باز هم کار افزایش مییابد ، هزینه تولید کاهش پیدا میکند و رکاهش حجم نیروی مواد لازم در تولید اجتماعی هم موفقیت های معینی بدست آمد ماست . در عین حال بر ضرورت کاهش بیشتریدین منظور گرامشرفرت و افزایش دامنه اقتصاد های ملی ترقی محسوس بدست آید تاکید شده است . فوریت و ابرام سیاسی این وظیفه از ضرورت تسریع در پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشورها برادروانواع بین المللی کنونی ناشی میشود .

در نتیجه سیاست رویارویی که محافل تجار و کارامیرالیمس دنبال میکنند ، و خامت اوضاع بین الملل کاهش نمییابد . آنها در تلاش بمنظور برهم زدن توازن نظامی که بدست آمده مابقه تسلیحاتی را تشدید میکنند و میکوشند آنرا به مرصه فضای کیهانی بکشانند و در ضمن کشورهای سوسیالیسم را از لحاظ اقتصادی تضعیف نمایند . محافل حاکمه ایالات متحده امریکا میکوشند از روابط اقتصاد بین المللی هم با ادامه اقداماتی مانند محدود ساختن بازرگانی ، اعتبارات و تکنولوژی و اعمال فشار مستقیم ، تحریم و " مجازات " ، در جهت هدفهای سیاسی خویش بهره برداری کنند . این سیاست تجار و کارانه امریالیسم در مرصه اقتصاد علیه کشورهای هم مورد استفاده قرار میگردد که در راه آزادی ملی خود مبارزه میکنند (مانند نیکاراگوئه که علیه آن محاصره اقتصادی را بکار بستفاند) . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی که بطور پیگیر از منشی حفظ و تحکیم صلح ، احیای پروسه کاهش تشنج و گسترش دامنه همکاری اقتصادی با حقوق برابر و سود متقابل با تمام کشورهای ذینفع پیروی میکنند در عین تحکیم وحدت و همکاری خود در آینده هم تمام تدابیر لازم را برای دفاع از منافع حیاتی خویش واستحکام هر چه بیشتر استقال تکنیکی - اقتصادی اتخاذ خواهند کرد . در ضمن آنها با قاطعیت کامل در آینده نیز برای پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی ، جلوگیری از کشاندن آن به فضای کیهانی و خلع سلاح (در درجه اول سلاح هسته ای) اقدام نموده و در راه امنیت و همکاری بین المللی مبارزه خواهند کرد .

با در نظر گرفتن اینکه حلقه اصلی استراتژی اقتصادی کنونی کشورهای برادریا برتسریع در ترقی علمی - تکنیکی است ، شرکت کنندگان در اجلاسیم به اهمیت تهیه و تدوین کلکتیو برنامه جامع ترقی علمی - تکنیکی تا سال ۲۰۰۰ توجه ویژه ای مبذول داشتند . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی هر آنچه را که لازم است برای رسیدن به مراحل پیشرفته ترقی علمی - تکنیکی

در اختیار دارند . آنها برای تعمیم هر چه سریع تر و شریکشی تر دست آورد های علوم در تولید بطور همجانیه خواهند کوشید . بدین منظور کارها هنگ درجهاتی که اولویت دارند ، مانند تعمیم الکترونیک ، اتوماتیواسیون کامل و جامع ، تولید انرژی اتمی ، تهیه مواد جدید و تکنولوژی هیپوتکنولوژی آغاز گردیده است . مشی که اتخاذ میشود در جهت تدوین موافقت نامه های جامعی در این جهات پسرای همکاری است که بر تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی مبتنی باشد و تمام دوره پژوهش و بررسی تا تولید بهره برداری را در برگیرد .

شرکت کنندگان در اجلاسیم نظر موافق خود را در باره تسریع در تهیه برنامه مامبرده شده و تهیه و تنظیم موافقت نامه های مشخص برای انجام آن و درباره بذل توجه بیشتر و کنترل از طرف کمیته های مرکزی احزاب برادری در جریان این اقدامات ابراز داشتند .

همه بر این عقیده بودند که برای نوسازی سریع و مداوم تولیدی که در جریان است باید برای پیشرفت ماشین سازی و تعمیق کسب تخصص و همکاری در این رشته و برای تولید ماشین آلات و ابزار با کیفیت عالی و در سطح تکنیک جهانی ، بویژه کار نیروی بیشتری مصرف شود . کمیته شورای تعاون اقتصادی ویژه همکاری در رشته ماشین سازی که چندین پیش بوجود آورده شده در ارتباط با این موضوع موظف است نقش بزرگی ایفاء کند .

شرکت کنندگان در اجلاسیم درباره اشکال و شیوه های تأثیر از طریق حزب در استفاده معقول از تمام انواع منابع مادی ، بالا بردن میزان بهره گیری از ذخایر و شریکشی سرمایه گذاری و تکمیل ساختار اقتصاد ملی تبادل نظر بعمل آوردند . در تمام کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی مجموعه تدابیری بمنظور تشدید صرفه جویی در سوخت ، انرژی و مواد خام و همچنین افزایش بازدهی کار بمنزله شرط لازم برای افزایش تولید اتخاذ میشود . بدین مناسبت درباره ضرورت تشدید کسار کلکتیو در تمام جهات افزایش شریکشی اقتصادی بحث و مذاکره بعمل آمد .

نمایندگان احزاب برادریا در اجلاسیم میگویند که کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی با دامنه کمک به جمهوری سوسیالیستی ویتنام ، جمهوری کوبا و جمهوری خلق مغولستان بر پایه عادلانه موجود را برای افزایش شریکشی اقتصادی ملی آنها ، با توجه به وظائف صنعتی کردن سوسیالیستی که این کشورها در برابر خود دارند و کمک به اشتراک گسترده و ترویج شریکشی تر آنها در تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی ، وظیفه بین المللی (انترناسیونال) خود بشمار میآورند . همکاری در این رشته ها مییابد پروسه برابر سازی در ریجی سطح پیشرفت اقتصادی جمهوری سوسیالیستی ویتنام ، جمهوری کوبا و جمهوری خلق مغولستان با سطح کشورهای اروپائی عضو شورای تعاون اقتصادی را تسریع کند .

تشکیل دیدار منظم دبیران کمیته های مرکزی احزاب برادری برای بررسی مسائل اقتصادی در آینده هد فمند ارزشیابی شد . اجلاسیم در محیط همکاری رفیقانه با کار بری و تفاهت متقابل برگزار گردید .

انتخابات و وضع سیاسی در هندوستان

نارای بیانا کالیانا کریشنان

عضو کمیته اجرائیه مرکزی و دبیر شورای
ملی حزب کمونیست هندوستان

انتخابات همگانی و سراسری که در پایان سال گذشته در هندوستان برگزار شد، پیروزی
عظیمی برای حزب کمونیست ملی هندوستان که حزب حاکم است به همراه داشت. این حزب بیش از
۴۹ درصد مجموع آراء و تقریباً ۸۰ درصد کرسی‌ها در مجلس عوام (لوک سابها) را بدست آورد.
از ۵۰۸ کرسی که نمایندگان منتخب تعلق دارد، کنگره ملی هندوستان ۴۰۱ کرسی را بدست
آورد (۱) .

هم بهاراتیاجانانا حزب ارتجاعی مذهبی - سکولاریستی و هم سایر احزاب بورژوازی
اپوزیسیون بسختی شکست خوردند. اما از تعداد نمایندگان نیروهای چپ و از جمله حزب
کمونیست هندوستان و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان هم در لوک سابها کاسته شد.
این سؤال پیش می‌آید که علت این موفقیت به‌سابقه حزب کنگره ملی هندوستان چیست ؟
قتل جنایتکارانه ایندیرا گاندی نخست وزیر تغیر شدیدی و ناگهانی اوضاع را بدنبال داشت.
سراسر جو سیاسی در کشور تغیر کرد. اما، خود قتل هم در پی رویداد های بسیار جدی و فاجعه آمیز
در ایالت پنجاب به وقوع پیوست. طی چندین ماه در آنجا دوازدسته های تروریست بنیاد گریهان
سیک و افراطیون بهیندلان و اله حاکم بودند و به جنایتی پس از جنایت بدست میزدند.
تمام اینها همزمان با افزایش فعالیت تجزیه طلبانه باصطلاح " دولت خالیستان " که در ایالات
متحد و آمریکا و انگلستان استقرار یافته صورت میگرفت. نمایندگان آن با استفاده از وسائل ارتباط

۱ - در مجلس عوام رو به برافزایش ۴۴ کرسی وجود دارد. ولی به علت وضع نامساوی ایالات پنجاب
و آسام در آنجا هم مانند یک سلسله از حوزه های انتخاباتی دیگر، انتخاب انجام نشد. بدین ترتیب
در مجموع از تعداد کرسی هایی که برای اشغال آنها مبارزه انتخاباتی جریان داشت کاسته شد.

جمعیتی امپریالیستی در برنامه ای که از پی بی سی پخش میشد آشکارا در راه اعمال زور قرار میخواندند
اطلاعات موثقی که در دست است بر این گواهی میدهد که با اطلاع و توافق دیکتاتوری نظامی پاکستان
تروریست های پنجابی در اراضی این کشور تعلیمات میدیدند. در توطئه برای بی ثبات کردن اوضاع
در هند سیاه هم مقیاس گسترده ای در دست داشت. دولت هندوستان در وضعی که پدید آمده بود
ناگزیر شد در پنجاب برای انجام عملیات موسوم به " عملیات ستاره آبی " از ارتش کمک بگیرد. ارتش
تجزیه طلبان - تروریست را در سراسر ایالت سرکوب کرد و از جمله کسانی را که در معبد زرین آسن شمار
پنهان شده بودند تارومار ساخت. در جریان این عملیات یک انبار بزرگ اسلحه، از سلاحهای مدرن
و از جمله ساخت خارجه کشف شد. درست پس از این عملیات نظامی بود که رهبران خالیستان
آشکارا طرفداران خود را به انجام سو " قصد علیه اعضاء ورئیس دولت هندوستان فراخواندند و
در ضمن شخصیت های میانه رو حزب آکالی دال سیک ها حتی اندیشه در پی جستن از افراطیون را
هم بخود راه نمیدادند و فکر محکوم ساختن خشونت بی معنی هم که تروریست ها بدان دست میزدند
نبودند.

قتل ایندیرا گاندی نقطه اوج رویداد هایی بود که شرح دادیم. این اقدام چشم و گوش
توده ها را گشود و آنها را متوجه خطری کرد که وحدت و امنیت هندوستان را تهدید میکند. نقشه های
امپریالیستی برای بی ثبات کردن هندوستان، زد و بند امپریالیسم با ارتجاع داخلی و محافصل
تجزیه طلب با خطوط کاملاً مشخص و آشکاری نمودار میشد و روشن تر از آن بود که مورد توجه مردم
هند وستان واقع نشود. این واقعیت هم خود شاهد گویایی است که تقریباً دو هفته پیش از انتخاب
همگانی مضمون گزارشی که در ایالات متحد و آمریکا انتشار یافت فاش گردید و در آن گزارش بطور
همه جانبه وضعی ترسیم شده بود که میتواند در صورت برکناری ناگهانی ایندیرا گاندی از صحنه
سیاسی در هندوستان بوجود آید. مطبوعات چپ گراممنی و مفهوم این گزارش را فاش و بزرگوار کردند.
نقش امپریالیسم و سیاه شریک جرم در قتل نخست وزیر میشانند در پس این فاکت و فاکت های دیگر
بروشنی دید میشود.

علاوه بر این باید تأکید کرد که رویداد هایی که در بالا شرح آنها گذشت در زمینه افزایش
کمک نظامی گسترده ایالات متحد و آمریکا به ضیاء الحق دیکتاتوری پاکستان، کوشش های تازه
بمنظور محاصره هندوستان از جانب امپریالیسم آمریکا از راه میلیتاریزه کردن اقیانوس هند و پشتیبانی
آشکارا از رژیم های ارتجاعی و نظامی دشمن با هندوستان و در همسایگی کشور ما صورت میگرفت. همه
این شرایط احساس نگرانی کاملاً درک شده ای را در مردم در برابر خطرات روز افزون داخلی و خارجی
که جمهوری را تهدید میکند برانگیخت.

طبیعی است، در وضعی که پیش آمده بود مسئله عمده برای مردم هند وستان تحکیم وحدت و تمامیت ارضی و امنیت میهن بود. همانطور که انتظار میرفت این مسئله به عامل سیاسی مرکزی بهنگام انتخابات همگانی و سراسری برای پارلمان مبدل شد. در ارتباط با این موضوع هم این سؤال مطرح شد که برای دفاع از وحدت و تمامیت ارضی و امنیت هند وستان در شرایط کنونی بکدام حزب میتوان تکیه کرد؟ بعلمت فقدان اکثریت (پو) راه دیگر) مؤثری چپ و موکراتیک مردم چنین نیروی را در کشور ملی هند وستان سراغ گرفتند. بدین ترتیب افکار عمومی در کشور پسوند آن تغییر کرد. فعالیت جدی و شدید و گسترده رهبری کنگره ملی هند وستان و نخست وزیر را جیوگاندی که میکوشید نشان دهند فقط حزب آنها میتواند وحدت و امنیت هند وستان را تأمین کند تأثیر فراوانی در اندیشه و آراء انتخاب کنندگان داشت. در گزارش شورای ملی حزب کمونیست هند وستان در باره نتایج انتخابات گفته شده است: "... علاقه به وحدت و امنیت کشور در تغییر عقیده همگان و هنگام نگام انتخابات ماه دسامبر ولوک ساهباتا تأثیر زیادی داشت. " موج همدردی " هم مقدم بر همه در میان زنان رای دهند و بوجود آمد. " در واقع هم، قشرهای انبوهی از مردم از قبیل جنایتکارانه نخست وزیر عمیقاً منزعشده بودند.

نیروهای اپوزیسیون بورژوازی طبق معمول نتوانستند به علل نگرانی عمیق مردم مین بپردازند. عمدترین آنها مانند بهاراتیا جاناتا، الیت ماز دور کیسان و حزب جاناتا که نتوانستند صورت واحدی از نمایندگان ارائه دهند و با کار پایه سیاسی بورژوازی بمنزله اکثریت بیعرضه کنند علیه یکدیگر مبارزه میکردند و به خطری که از جانب امپریالیسم کشور را تهدید میکرد بی اعتنائی میکردند، آنها نسبت به اضطراب و نگرانی مردم مین تفاوت بودند. برخی از عناصر طرفدار امپریالیست ها در احزاب راستگرا حتی در سخنرانی های انتخاباتی خود گستاخانه اعلام داشتند که برای وحدت و امنیت کشور هیچ خطری وجود ندارد و آنچه در این مورد گفته میشود فقط مکر و حیله ایست که حزب کنگره ملی هند وستان اختراع کرده است. بدیهی است نمیشد انتظار داشت که مردم به این قبیل شخصیت ها اعتماد خواهند کرد و وظیفه تشکیل دولت را به آنها واگذار میکنند. بهمین سبب فراخوان آنها به ایجاد کابینه ائتلافی در مرکز نمیتوانست از پشتیبانی توده ها برخوردار گردد. از قرار معلوم حتی پس از شکست در انتخابات هم، بسیاری از احزاب اپوزیسیون بورژوازی نتوانستند ماهیت این لحظه کلیدی مبارزات انتخاباتی را درک کنند و ملت پیروزی بزرگ حزب حاکم را بطور عمد و در استفاده از شیوه های غیردموکراتیک از سوی آن میدانستند.

در این بنیاد تردیدی داشت که حزب کنگره ملی هند وستان در جریان مبارزات انتخاباتی فعالانه از مسائل ارتباط جمعی و دستگاه دولتی پسوند خود استفاده میکرد و رایالاتی مانعند

بمبار و تارت - پرادش از اردو و هند های گوناگون بطور گسترده و از " قدرت پول " بهره برداری میشد. کمونیست ها و اپوزیسیون دموکراتیک باید بطور جدی در این مسئله غور و تأمل کنند که برای از بین بردن چنین خطری بمنظور تحقق پیروسی دموکراتیک انتخاباتی چه باید کرد. حزب کمونیست هند وستان بیکبار دیگر خواستار انجام اصلاحات بنیادی در سیستم انتخابات و مقرر ساختن معیارها برای تناسب تعداد نمایندگان گردید. زیرا سیستم انتخاباتی موجود که تقلیدی از سیستم انتخاباتی بریتانیا است در واقع نابرابری را تشبیه میکند. به این واقعیت میتوان حداقل از اینجا پی برد که حزب کنگره ملی هند وستان که در انتخابات اخیر راجد و ۹۹ درصد آراء را بدست آورد در مجلس هوم ۸۰ درصد کرسی ها را بخود اختصاص داده است. در همین حال این رانیز نمیتوان انکار کرد که پیروزی حزب حاکم رانیمتوان فقط با حیل و نیرنگ های ماقبل انتخاباتی که یک مسئله فوری است تشریح نمود.

در باره مبارزات انتخاباتی حزب ما و حزب کمونیست (مارکسیستی هند وستان باید گفت در جریان آن توجه ویژه به خطری معطوف شده بود که توسط امپریالیستی مین شبات ساختن برای وحدت و تمامیت ارضی و امنیت میهن در بردارد. ما به نقش تخریبی امپریالیست های ایالات متحده و امریکا و آسیا در رویداد های پنجاب و آسام و شمال و شمال شرقی هند وستان و همچنین به پیدایش وضعی اشاره میکردیم که به قتل ایندیرا گاندی منجر گردید. این نیز حقیقتی است که در نتیجه تبلیغات گسترده و فراوانی که مواضع نیروهای چپ را تخریب میکردند صدای ما همیشه بگوش توده ها نمیرسید. این راه باید در نظر داشت که نیروهای چپ نامزد های انتخاباتی خود را بمقیاس کشور فقط برای ۱۳۵ کرسی نمایندگی معرفی کردند و بهمین سبب برای مردم اکثریت چپ دموکراتیک مؤثری موجود نبود. در چنین شرایطی بود که تغییر افکار عمومی پسوند حزب کنگره ملی هند وستان در نتایج انتخابات در نقاطی هم تأثیر کرد که بطور سنتی در آنها نفوذ کمونیست ها بیشتر است.

پیروزی چشمگیر حزب کنگره ملی هند وستان برای بسیاری از شخصیت های سیاسی کشور، هم برای آنها فیکه به حزب حاکم تعلق دارند و هم کسانی که در اپوزیسیون میباشند غیر مترقبه بود. در آستانه انتخابات یکی از وزرای دولت ایندیرا گاندی شك و تردید خود را درباره اینکه حزب بتواند اکثریت آراء را بدست آورد آشکارا بیان داشت. برای این اظهار نظر دلیل و برهان کافی وجود داشت. طی دو سال و تا اواسط سال گذشته، گرایش های تکامل مییافت کنشان دهند و کاهش زمینه سیاسی حزب کنگره ملی بود. در جریان انتخابات برای مجمع قانونگذاری تمداد ایالات (سالهای ۸۳-۱۹۸۲) این حزب قادر نبود اکثریت را بدست آورد و ران ایالات دولتی هائی تشکیل شد که از حزب کنگره نبود و حزب کنگره ملی بهمین شکل در چند انتخابات میان دوره ای هم

باشکست مواجه شد . تلاش برای برکنار ساختن این دولت‌های یکم استناد ارانی که از مرکز فرستاده میشدند بنوبه خود نقض خشونت آموز مزاین دموکراتیک پارلمانی بود و با اعتراضات گسترده ای پیروبرو میشد . بطور مثال درین عزل ن . ت . رامارافو وزیر اول ایالت آند هرا - پرادش ، در آن ایالت و در نقاط دیگر جنبش توده ای علیه این اقدام بهارگردید و مرکز را مجبور کرد او را بمقام خود بازگرداند . طی دو سال گذشته مبارزات پر دامنه و پیکار چرخه طبقاتی کارگری و قوای پیوسته و در برخی از آنها کنگره ملی سندیکا های هند وستان هم که رهبری آن بانگنرملی هند وستان است شرکت جست . از جمله آنها اعتصاب سراسری کارگران بنادر ، اعتصاب کارگران نیروگاه های برق در بسیاری از ایالات ، اعتراضات کارگران معادن ذغال سنگ بمیشی و غیره رامیتوان نام برد . مبارزه زحمتکشان گسواه نومیستی معین از سیاست محافظت حاکم فحشی بین کارگرانی بود که بر رهبری کنگره ملی سندیکا های هند وستان فعالیت میکردند . به نارضایتی در روستاها هم بین دهقانان و هم پروولتاریای کشاورزی و مستمندان روستاها افزوده میشد . اگرچه طی چند سال اخیر محصولات کشاورزی خوب و فراوان بود ، روستائیان از یائین بودن بهای فرآورده های کشاورزی در نزع بودند . تورم بشکل لجام گسخته ای افزایش می یافت و بیگاری تشدید میشد و سطح زندگی تنزل میکرد . در واقع همین عوامل هم در مجموع علت کاهش تدریجی نفوذ و اعتبار کنگره ملی هند وستان بودند .

با توجه به زمینه اجتماعی - اقتصادی انتخابات مجلس عوام که نزدیک میشد این امکان را کاملاً نفی نمیکردند که حزب حاکم موفق به بدست آوردن اکثریت مطلق نگردد . حزب بهاراتا جاناتا و سایر نیروهای بورژوازی دست اندر کار سرهم بندی کردن آلیانس گسترده ای از احزاب اپوزیسیون غیر کمونیستی و غیر کنگره بودند که آلترناتیوی در مقابل حزب کنگره ملی باشد . ولی حزب کمونیست هند وستان با روشنی کامل اعلام میداشت که مسائل اساسی را که در برابر هند وستان قرار دارند نمیتوان از راه تعویض دولت حزب کنگره با کابینه ای با اشتراک ترکیب تازه ای از احزاب بورژوازی حل کرد که در یک سلسله از مسائل میتواند حتی از منشی ارتجاعی و عقبمانده تری پیروی کنند . ما با اعتقاد به اینکه در شرایط موجود آلترناتیو چپ دموکراتیک ضرورت مبرمی مبدل شده به موضعگیری خود وفادار بودیم . حزب کمونیست هند وستان اساسی منشی سیاسی را اعلام کرد که دولت آلترناتیو نمیتوانست آنها را رهنمود خود قرار دهد . حزب پیکار جدی را علیه اندیشه با اصطلاح وحدت سراسری و همه گیر اپوزیسیون آغاز کرد و علیه احزاب و عناصر ارتجاعی و طرفدار امپریالیسم مبارزه میکرد .

حزب ما و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان در چند دیدار از احزاب اپوزیسیون که در کشور آنها " جلسات اپوزیسیون " مینامند شرکت کردند . طی دو سال اخیر چهار اجلاس سه در شهرهای دهللی ، وچایا و ادا ، سرینا هار و لکنه تشکیل گردید . بسیاری از احزاب اپوزیسیون

بورژوازی با استفاده از این دیدارها ، میکوشند بلوک مشترک اپوزیسیون تشکیل دهند . ولی ما بطور پیگیر مخالف این هستیم که این قبیل مجامع برای چنین اهدافی مورد استفاده قرار گیرد . ما میکوشیم حزب بهاراتا جاناتا ی طرفدار امپریالیست هارا منفرود سازیم و در این قبیل اجلاس ها راه حل های دموکراتیک برخی از مسائل گروهی را که هند وستان با آنها روبرو است ارائه دهیم . حزب ما در این زمینه ها با حزب کمونیستی (مارکسیستی) هند وستان همکاری میکند . در این مورد موفقیت معینی بدست آمد که حزب بهاراتا جاناتا به این قبیل مجامع راه داده نشود ، برای حل و فصل یک سلسله از مسائل به راه حل مشترکی رسیدیم که از آن جمله است مسئله پنجاب و روابط دولت مرکزی با ایالات .

کمونیست ها با این قبیل اقدامات میکوشیدند با آن بخشی از اهالی ارتباط برقرار کنند که هنوز بدنبال احزاب اپوزیسیون است تا حرکات آنها به سرمد دموکراتیک افکنند و تلاشهای اپوزیسیون بورژوازی را بمنظور سرهم بندی کردن وحدت همه گیر نیروهای اپوزیسیون بمنزله آلترناتیو حزب کنگره ملی هند وستان عقیم سازند . در آستانه انتخابات چنین کوششهایی از جانب وزیر اول ایالات آند هرا - پرادش بعمل آمد . حزب کمونیست هند وستان و حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان آشکارا با این فکر مخالفت کردند و آنها را مجبور شدند آنها را کنار بگذارند . تاکتیک ما در انتخابات راهم رهنمود های دقیقی که حزب تهیه کرده بود معین میکردند . شورای ملی حزب کمونیست هند وستان بر این عقیده بود که اگرچه دولت حزب کنگره باید تعویض گردد تا بدین ترتیب راه را برای حل مسائل حاد کشور بگشاید ، نمونه کدائی آلترناتیو بورژوازی سالهای ۱۹۲۲ بدین امر منجر نخواهد شد . بر طبق همین هم حزب در دوران انتخابات در سامبر شعار د دولت آلترناتیو د مرکز را بمنزله شمارای تحقق ناپذیر برد کرد .

حزب کمونیست هند وستان ، در شرایطی که بدید آمده بود ، مساعی خود را در راه بدست آوردن کرسی های هر چه بیشتری برای خود (و همچنین برای دیگر محافظت چپ و دموکراتیک) در پارلمان متمرکز ساخت . حزب بمنظور کاستن از تعداد نمایندگان حزب کنگره ملی هند وستان در پارلمان در عین حال این هدف را نیز تعقیب میکرد که برای شکست دادن حزب بهاراتا جاناتا و ارتجاع راستگرا هم فعالیت کند . در چهار چوب چنین برخوردی شورای ملی تصمیم گرفت که حزب کمونیست هند وستان به هیچ جبهه ای که به شکل از اشکال بتواند استقلال سیاسی آنرا محدود سازد نخواهد پیوست و از آن پشتیبانی نخواهد کرد .

ما فقط موفق شدیم در رنگال غریب ، تریپور و کرا لا اتحاد های معینی پیش از انتخابات برقرار سازیم . یک سلسله توافق هایی هم بر سر نامزد های انتخاباتی در ایالات آند هرا - پرادش ،

تأمیلاند، کارائاناتا و ماها راشاترا وجود داشت. ولی، در مورد ایالاتی که بزیان هندی سخن میگویند باید گفت در آنجا حزب در واقع يك تنه و بدون اتکا به اتحاد های انتخاباتی مبارز میگرد. در فعالیت های انتخاباتی، ماتوجه خود را به افشای امپریالیسم و ارتجاع داخلی و انتقاد از جهات ارتجاعی سیاست محافل حاکمه معطوف داشتیم و ضرورت تقویت گروه چپ دموکراتیک در لوك ساپیهارا مورد تأیید قرار دادیم. ولی ضمن ارزیابی مبارزات انتخاباتی شورای ملی به راه و رسم انتقاد از خود یاد آور شد که در آن "نواقصی وجود داشت، چون ما همیشه سرعت عمل نداشتیم، از جمله برای دوری گرفتن از ارتجاعی ترین نظریات و اقداماتیکه در برخی از موارد از طرف بعضی از احزاب اپوزیسیون چشمپوشی و لا زم بود که بهنگام ضرورت به شدت آنها را مورد انتقاد قرار دهیم".

اگر حزب کنگره ملی هند وستان بمقیاس سراسر کشور پیروزی عظیمی بدست آورد، در ایمن جریان استثنا هائی هم وجود داشت که تجربه آنند هرا - برادش، جاتو، کشمیر و سیکیم بر آن گواهی میدهد. اگرچه اهالی این ایالات هم نگران امنیت و وحدت کشور بودند، آنزجارونارضائی شدید آنها از اقدامات ضد دموکراتیک دولت مرکزی که دولت های محلی را برکنار کرده بود بسیار محسوس بود. نتیجه انتخابات در آن ایالات خلاف سایر نقاط کشور بود و شکست حزب کنگره ملی هند وستان انجامید.

يك نتیجه مثبت انتخابات این است که نیروهای ارتجاعی و قهرقانی در آن با شکست سختی روبرو شدند. ولی هم اکنون هم نباید زمینمتموده ای سازمان های ارتجاعی مانند بهاراتیا جاناتا - برادش را از نظر برداشت، زیرا این حزب ۷ درصد آراء را بدست آورد و تقریباً در ۱۰۰ ناحیه انتخاباتی که نامزد های خود را معرفی کرده بود در ردیف دوم قرار داشت. ولی امید آنها به سرهم بندی کردن بلوك آئترناتیواستگیری بر است با شکست مواجه شد.

بهنیروهای چپ هم در انتخابات زبانهای معینی وارد شد. تعداد نمایندگان حزب کونیست در مجلس عوام از ۱۳ نماینده به ۱ نفر تقلیل یافت و حزب کونیست (مارکسیستی) هند وستان هم بجای ۳۶ نماینده به ۲۲ نماینده قناعت کرد. این درست است که در مقایسه با سال ۱۹۸۰ تعداد مطلق آرائی که بحزب کونیست هند وستان و حزب کونیست (مارکسیستی) هند وستان داده شد افزایش یافت. در انتخابات اخیر بیش از ۲۰ میلیون نفر از انتخاب کنندگان آراء خود را به این دو حزب دادند. اما، اگر افزایش کلی تعداد رأی دهندگان و نتایج چشمگیر رأی گیری بسود حزب کنگره ملی هند وستان را در نظر بگیریم، این فاكت نمیتواند اینقدر هامهم جلوه کند. با احتمال قوی، عدم موفقیتی که در مناطق سنتی و تکیه گاههای انتخاباتی چپ ها بدیده آمده (ایالت بنگال غربی و کرالا) نیازمند اندیشه و تأمل جدی است. در بنگال غربی فقط نواحی

انتخاباتی روستایی توانستند در برابر موج نیرومند حزب کنگره ملی مقاومت کنند. در يك سلسله از بخش های انتخاباتی کنگره و در مناطقی که طبقه کارگر شهری زندگی میکند جبهه چپ بنگال غربی در برابر کنگره ملی شکست خورد. جبهه دموکراتیک چپ کرالا فقط توانست ۳ کرسی از ۲۰ کرسی نمایندگی را تصاحب کند. هم حزب ما و هم حزب کونیست (مارکسیستی) هند وستان این نتایج و عوامل ذهنی و عینی را که موجب عدم موفقیت نیروهای چپ گردید بشیوه انتقاد از خود مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و درس های لازم را از آن میگیرند.

پیروزی عظیم حزب کنگره ملی هند وستان شعار آئترناتیو چپ دموکراتیک را خارج نمیکند. زیرا عملی که باعث پیدایش آن شدند هنوز وجود دارند. از جمله این عمل مقدم بر هر چیز باید بحران راه رشد سرمایه داری وین آمد های ناخوش آوانرا در نظر گرفت. فقط آئترناتیو چپ دموکراتیک میتواند راه خروج از بحران را برود نشان دهد. حزب ما بهمین سبب تحکیم وحدت تمام نیروهای چپ و مقدم بر همه وحدت عمل حزب کونیست هند وستان و حزب کونیست (مارکسیستی) هند وستان را ضرور میداند. برغم وجود نکات متضنی و دشواریهایی که گاهی در مناسبات میان دوحزب بدیده میآید (آنها حتی بهنگام انتخابات هم بروز کردند)، پروسه نزدیکی در زمینه اقدامات مشترک دوحزب چند سال است، اگرچه نه بسرعت، ولی با ثبات و پیگیری به پیش میرود. بعقیده ما این پروسه یکبار چگی هر دو حزب و نیروهای چپ بطور کلی را باید در آینده نیز گسترش داد تا ما بتوانیم بطور شمر بخشی در رویداد های سیاسی مؤشرواقع شده، از منافع حیاتی مردم دفاع کنیم و وحدت و امنیت کشور را در برابر توطئه های امپریالیسم و گروه بندیهای تفرقه افکنانه داخلی تأمین نمائیم.

این سؤال پیش میآید که نظر حزب ما نسبت به دولت نخست وزیر ارجیو گاندی چیست ؟ ما واقف بر این هستیم که این دولت با پشتیبانی و زین مردم روی کار آمده است. مردم هم به ایمن دولت امید فراوان بسته اند، تصور میکنند محافل حاکمه گامهایی در جهت کاهش رنج و هداب مردم بر میدارند و سطح زندگی آنها را بالا میبرند. مسائل بزرگ وحادی در انتظار یافتن راه حل خود هستند و پنجاب و آسام وروابط متقابل مرکز و ایالات و مانند اینها. حالا، پس از انتخابات دولت است هم ارج و اختیار و هم امکان برای پرداختن به این مسائل را دارد. بهمان نسبت که دولت به ایمن مسائل توجه کند گامهایی که بر میدارد مورد پشتیبانی حزب کونیست هند وستان خواهد بود. بنویه خود ما هم پیشنهاد استمضخ و سازنده ویژه خود را ارائه نمود و مردم را برای تحقق آنها بسیج میکنم.

اظهارات را جیو گاندی که ضمن آن تأکید میشد دولت مصمم است بطور استوار از سیاست خارجی صلح، عدم تمعهد و دوستی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیروی کند و در راه

جلوگیری از جنگ هسته ای مبارزه نماید مورد استقبال مردم قرار گرفت . بمقید و حزب ما ، مسائل مهم حیاتی مانند وحدت و تمامیت ارضی میهن ، مقابله با خطر تجاوز خارج و اشتراك در مبارزه در راه حفظ صلح در سراسر جهان مورد توجه تمام نیروهای میهن پرست ، ضد امپریالیست و دموکراتيك کشور ، از جمله آنهایی است که در حزب کنگره ملی شرکت دارند . بدین سبب ما در راه دست یافتن به توافق در باره این مسائل میان تمام این نیروها کوشش خواهیم کرد . هرابتکار سیاسی و هر عمل مثبت دولت در عرصه ای چنین مهم و حیاتی مورد یاری و پشتیبانی ما قرار خواهد گرفت . حزب کمونیست هند وستان برای تشدید فعالیت توده ها نیز تلاش خواهد کرد تا این قهیل گامهای مثبت برداشته شود و مردم در تحقق آنها شرکت کنند .

به همین ترتیب ما میخواهیم به هنگام ضرورت مداخله مردم هم بمنظور مقابله با بی ثباتی ، تسامح و تعلل و عقب نشینی در برابر مسائلی که در بالا یاد آور شدیم به توده ها اکتفا کنیم . حزب برای اینجای همکاری دایره گسترده ای از محافل سیاسی و اجتماعی و از جمله نیروهای عظیم درون خود حزب کنگره ملی هم امکاناتی را فراهم می بیند . ما در جستجوی تمام امکانات برای برقراری چنین همکاری خواهیم بود .

ولی ، نفی و انکار این واقعیت دشوار است که مضللات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که زائیده راه رشد سرمایه داری در هند وستان است به حدت خود باقی است و از قرار معلوم در آینده شدت بیشتری خواهند یافت . حزب کمونیست هند وستان با توجه به زمینه کلی این وضع نقش ابروزمین چپ را ایفا خواهد کرد ، بمخالفت با هرگونه سیاست ضد خلقی و ضد دموکراتيك دولت که بسود نیروهای آزمند بورژوازی باشد ادامه خواهد داد و وسیع توده ها را برای جلب پشتیبانی آنها در مبارزه در راه اکثریت توده انحصاری و دموکراتيك دنبال خواهد کرد .

نتایج انتخابات باردیگر نشان داد که تقویت استقلال حزب ما ، تشدید فعالیت سیاسی آن و کاربرد میان توده ها تا چه اندازه ضرور است . ما بمنظور افزایش فعالیت سیاسی توده ها توجه ویژه ای به تحکیم زمینه موجود حزب کمونیست هند وستان از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک میدول میداریم . همچنین میکوشیم نواحی تازه ای را با انتشار یگری از اهالی زیر پوشش فعالیت خود در آورویم تا آنها در سیمای حزب کمونیست هند وستان در مقایسه با گروه بندیهای گوناگون بورژوازی اکثریت توده واقعی را ببینند . حزب کمونیست با پیروی از این شی مضم است کار در میان توده های مردم را بسا شدت بیشتری افزایش دهد ، مبارزه در راه تسهیل شرایط زندگی توده ها را رهبری کند و در بالا بردن آگاهی طبقاتی آنها توفیق حاصل نماید . حزب کمونیست هند وستان تبلیغ و تثبیت نظریات خود در باره تمام مسائل زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و تعرض ایدئولوژیک و سیاسی علیه مواضع

واقعات احزاب و محافل ارتجاعی ، سکتاریستی و طرفدار امپریالیسم را فوق العاده مهم بشمار میآورد . حزب توجه خود را روی گسترش و تحکیم سازمان های توده ای و جلب طبقه کارگر ، دهقانان زنان و جوانان به ایدئولوژی خود متمرکز خواهد کرد .

حزب برای دادن سمت درست به مجموعه فعالیت های ما برنامه اکثریت توده ما ننند مشخصی اجتماعی - اقتصادی بدست خواهد داد که حل کننده مسائل مهم حیاتی حادی است که بحران راه رشد سرمایه داری بوجود آورده است . ما در آمیخته و تدوین چنین برنامه مشخصی همکاری با حزب کمونیست (مارکسیستی) هند وستان و سایر احزاب چپ راهم در نظر میگیریم . حزب کمونیست با اکتفا بدان برای دست یافتن به وحدت توده های چپ فعالیت خواهد کرد ، زیرا چنین وحدتی بمنزله هسته متحد کننده برای تمام نیروهای دموکراتيك خواهد بود . در گزارش شورای ملی در باره نتایج انتخابات گفته میشود فقط ایجاد ائتلاف چپ نیرومند و یکپارچه ای کسه سمت دهند جنبش توده ای سراسر کشور است میتواند راه را برای پیدایش اکثریت توده دموکراتيك چپ بگشاید . این جنبش توده ای سراسری کشور خواستهای اقتصادی - اجتماعی و همچنین خواست های سیاسی مانند دفاع از نهادهای دموکراتيك ، وحدت ملی و امنیت در برنامه خود دارد .

بقیه از صفحه ۱۲

ولی مردم قهرمان میهن ما که رژیم منقور شاه را سرنگون ساختند با قاطعیت هر چه بیشتری علیه رژیم کثیف پهلوی خواهند مبارزه . ما تردیدی نداریم آن روز فرا خواهد رسید که دژ خیمان و حامیان آنها در برابر مردم ایران بخاطر جنایات عظیمی که مرتکب گردیده اند پاسخ بدهند . آرزویم نیست که برغم دسایس دشمنان در سرزمین ایران آزادی ، عدالت اجتماعی و صلح برقرار گردد . حزب توده ایران هم اکنون ، درد شوارترین شرایط برای تحقق این آرمان ها مبارز میکند .

موج ترور را متوقف سازید!

در آنگار محاکمه گروه دیگری از مبین پرستان ترکیه که رژیم دیکتاتوری ارتجاعی ترتیب داده بود به پایان رسید. بیش از ۲۲۰ نفر از مبین به مدتهای گوناگون زندان محکوم شدند (۱۷۰ نفر از آنها به ۵ تا ۱۰ سال و ۳۰ نفرشان به بالا تراز ۱۰ سال زندان). همه آنها را به گناه عضویت در حزب کمونیست ترکیه محاکمه و زندانی کرده اند.

از هنگام شورش نظامی سال ۱۹۸۰ تا بحال بیش از ۱۵ بار حزب کمونیست ترکیه را به "محاکمه خوانده اند". در جریان این دادرسی‌ها بیش از ۵۰۰ حکم محکومیت صادر شده است. متهمین در جریان دادرسی دلیرانه از امر خلق، مبارزه در راه کار و صلح و آزادی دفاع کردند و خواستار استقلال کشور از امپریالیسم امریکا شدند. در جریان عملیات پرداخته برای دستگیری کمونیست‌ها بیش از ده هزار نفر "مظنونین به کمونیسم" بازداشت گردیدند. بسیاری از آنها را سبعمانه شکنجه کردند. در نتیجه این شکنجه‌ها رفیق دینیز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه و ده دایگری از کادرهای رهبری حزب بهلاکت رسیدند.

نه فقط کمونیست‌ها بلکه همه دموکراتها، طرفداران صلح و فعالین سندیکاها مورد تضییق و بیگرد قرار میگیرند. حتی نمایندگان رسمی دولت اعتراف میکنند که اکنون در کشور حدود سی هزار تن زندانی سیاسی وجود دارد. تاکنون ۲۹ نفر اعدام کرده اند و ۱۰۸ نفر در انتظار اجرای حکم اعدام هستند. در جریان محاکمات اداره دادرسی خواستار صدور ده هزار حکم اعدام دیگر شد. پنجاه و هفت تن از رهبران سندیکا که دیسک که غیرقانونی اعلام شده از جمله آنها هستند. گسترش دامنه محاکمات خود سرانه علیه نمایندگان نیروهای دموکراتیک در ترکیه بمعنی تشدید ترور از طرف رژیم دیکتاتوری است که سیاست اقتصادی فاجعه آمیز و موشی آن در جهت تبعیت نظامی-سیاسی از امپریالیسم امریکا با مقاومت مردم روبرو میشود.

احکام صادره علیه بیش از ۲۲۰ مبین پرست ترکیه موج گسترده اعتراض بین المللی را برانگیخت. احزاب سیاسی گوناگون، شخصیت‌های اجتماعی برجسته بسیاری از کشورهای از دولت ترکیه خواسته اند به تضییق و فشار پایان دهند و تمام زندانیان سیاسی را آزاد کند. جنبش همبستگی بانیهوهای مبین پرست و دموکراتیک با زتابی از پشتیبانی گسترده از امرعادلانه آنانست. طی ایلمری ناپایتده حزب کمونیست ترکیه در شورای هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

به ترور در اندونزی پایان دهید!

در ماهه سال جاری، در آستانه شصت و پنجمین سالروز ایجاد حزب کمونیست اندونزی، رژیم ارتجاعی نظامی کشور حکم اعدام رفیق گرامی ماسعود منیر عضو نیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی، صد رشورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه‌های کارگری اندونزی و معاون صد رفد راسیون سندیکاهای جهانی را که بیش از ۱۷ سال در زندان بسربرد مرحله اجرا در آورد. اطلاع داده میشود که اینک اعدام رستمسو، جوکو، اونتونگ، گاتوت، سوتارو، روسلان و بیجاها - ساسترا، شخصیت‌های برجسته حزب کمونیست اندونزی را تدارک می بینند.

بطوریکه میدانیم تقریباً بیست سال پیش ارتجاع با پشتیبانی ژنرال‌های راستگرای اندونزی و مسرپرستی سوهارتو پس از دست زدن به ترور توده‌ای خونباری علیه کمونیست‌ها و دموکراتها حاکمیت دولتی را از دست بریزد نت سوکارنو مبین پرست و شخصیت برجسته دموکرات و ضد امپریالیست بیرون آورد. صد ها هزار نفر از افرادی که دارای نظریات مترقی بودند و هزاران تن از کمونیست‌ها روانه اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها شدند. رژیم نظامی حاکم زیر فشار افکار عمومی و اقدامات گوناگون و گسترده همبستگی بین المللی با مبین پرستان اندونزی (که در تمام این سالها ادامه داشت) با شرط و شروط بسیار در سال ۱۹۷۹ به "آزادی" گروه بزرگی از زندانیان سیاسی رضایت داد. اما رهبران حزب کمونیست اندونزی، کادرهای حزبی و سایر سازمانهای مترقی تا امروز زندان رنج می‌برند. تقاضای بخشودگی برای بخش بزرگی از آنها از طرف سوهارتو رد شد.

جریان دادرسی قلابی و اعدام ۲۰۰ نفر این کمونیست مبین پرست، بزغم مطالبه آزادی او از طرف مردم اندونزی و جهانیان، صد و ده حکم اعدام سایر رفقای ما برای چندمین بار چشم‌سره ضد انسانی رژیم نظامی را بر ملا ساخت. آنتی کمونیسم و آنتی دموکراتیسم کوروا و نمایندگان مردم زحمتکش را بخاک و خون می‌افکند و به منافع ملی ما زیان وارد میکند. این رژیم بسود سرمایه انحصاری است که خلق ما را قارت میکند و بسود امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا است که در تلاش کشانسدن هرچه بیشتر اندونزی به شبکه نقشه‌های میلیتاریستی خود در آسیای جنوب شرقی است. بنظر ما از هنگام برقراری حاکمیت نظامیان راستگرا، موش ارتجاعی همواره جزئی از استراتژی ضد کمونیستی

جهانی بوده است که در تحقق آن ایالات متحده آمریکا رده نخستین قرار دارد. این سیاست با خواستهای مردم ما و تمام خلقهای که در راه استقلال ملی واقعی مبارزه میکنند و از امر صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی دفاع میکنند مغایر است.

ما اطمینان داریم: همبستگی بین المللی با یاری میرساند که در اندونزی در مبارزه در راه آزادی تمام کمونیست ها و موکراتها توفیق حاصل کنیم و آنان را از آسیا هجالتی ارتجاع رها سازیم. حزب ما و مردم زحمتکش به همراه سایر نیروهای میهن پرست به انجام دگرگونیهای بنیادی با توجه به منافع توده های انبوه مردم و آینده روشن میهن دست خواهند یافت.

افکار عمومی مترقی قاطعانه خواستار پایان بخشیدن به ترور و دراندونزی است، آنتی کمونیسم رژیم سوهارتو و شیوه های ضد موکراتیک خائنانه آن باید از طرف همگان محکوم و بر ملا گردد.

س. سودیمان
عضور رهبری حزب کمونیست اندونزی

کنترل استفاده از انرژی هسته ای امکان پذیر است

هانس بلیکس

رئیس کل آژانس بین المللی
انرژی اتمی

دردوران کنونی کنترل این امر که بهره برداری از انرژی هسته ای برای استفاده نظامی سوق داده نشود از لحاظ سیاسی در دستور روز قرار میگیرد. آژانس بین المللی انرژی اتمی نقش مهمی در انجام چنین وظیفه ای ایفا میکند. همین آژانس است که بمسائل مربوط به اجرای قرارداد های جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای (۱) رسیدگی میکند. این قرارداد ها از بهترین اسناد حقوقی بین المللی هستند که تاکنون از طرف ۱۲۶ کشور امضاء رسیده است. این آژانس با کشورهای شرکت کننده در قرارداد توافق نامه ای را منعقد میسازد که مضمون آن کنترل اجرای تمهیداتی است که آن کشورها بعهده گرفته اند.

گفت و شنودی که بنا بر خواهش گروهی از خوانندگان با هانس بلیکس رئیس کل آژانس بین المللی انرژی اتمی صورت گرفته و در زیر چاپ میرسد به مسائل مربوط به بهره برداری مسالمت آمیز از انرژی هسته ای و جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای اختصاص داده شده است.

هانس بلیکس در مورد فلسفه و حقوق، مولف چند کتاب در بار مسائل مناسبات بین المللی، وزیر سابق امور خارجه سوئیس و سرپرست آژانس بین المللی انرژی اتمی از سال ۱۹۸۱ می باشد.

زیرنویس در صفحه بعد

نقش آژانس در حفظ صلح و گسترش و پیشرفت همکاری کشورهای است ؟

— وظائف اساسی آژانس عبارت از کمک به استفاده و صلح آمیز از انرژی هسته ای واری رساندن به کوشش‌هایی است که در جهت جلوگیری از اشاعه بیشتر سلاح هسته ای بعمل می‌آید . فعالیت آژانس در هر دو عرصه بطور عمده دارای خصلت تکنیکی است . بطور مثال صحبت بر سر این است که بی‌خطر بودن کار و وسایع و دستگاه‌های اتمی و بدون کردن فصولات رادیواکتیوه استفاده از تکنولوژی هسته ای در کشاورزی و مانند اینها تأمین گردد . از آنجا که هدف‌هایی که بدانها اشاره شد با وظائف بزرگتری ارتباط دارند (مانند تأمین جامعه بشری با انرژی ، افزایش ذخایر مواد غذایی ، کمک به پیشرفت صنعتی واری رساندن به کوشش‌هایی که برای کنترل تسلیحات بعمل می‌آید) همه فعالیت‌های مابوجه فراوان مردم را جلب میکند .

هر دو وظیفه اساسی آژانس متقابلاً بیکدیگر مربوط هستند . اگر در جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای هم در جهت عمودی و هم افقی (۱) توفیق حاصل گردد شک و تردید‌هایی که هنوز در مورد هدف‌فندی استفاده و همه‌جانبه از اتم برای هدف‌های مسالمت آمیز وجود دارد کاهش می‌یابد . در ضمن تحقق هر چه کاملاً امکانات عظیمی که اتم در عرصه انرژی و حرارت ، در کشاورزی ، صنعت و خدمات پزشکی در اختیار ما قرار می‌دهد به ایجاد شرایطی که برای حفظ صلح مساعد است کمک میکند .

زیرنویس صفحه پیش

قرارداد مربوط به عدم اشاعه سلاح هسته ای — قرارداد بین المللی است که از طرف کمیته ویژه خلق سلاح سازمان ملل متحد تهیه و تدوین گردید . هدف آن محدود ساختن دایره کشورهای است که سلاح هسته ای در اختیار دارند تا بدین ترتیب از امکان پیدایش درگیری مسلحانه با استفاده از چنین سلاحی بکاهد . این قرارداد از اول ژوئیه سال ۱۹۶۸ در شهرهای مسکو ، واشنگتن و لندن برای امضاء کردن در دسترس کشورهای قرار گرفت . از پنجم مارس سال ۱۹۷۰ رسمیت و اجبار قانونی پیدا کرد .

هیئت تحریریه

۱ — مقصود از سمت عمودی ، ذخیره انواع گوناگون سلاح هسته ای در یک کشور است . سمت افقی اشاعه آن در سایر کشورهای است که تا کومون فاقد آن هستند .

بناباره خواهش شرکت کنندگان در قرارداد جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای و " قرارداد تلاتولکو " (۱) امریکای لاتین آژانس این موضوع را نیز کنترل میکند که آیا برنامه‌های اتمی اینسن کشورهای فقط برای رسیدن به هدف‌های صلح آمیز مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر . چنین کنترلی در منطقه و در سراسر جهان این اطمینان را بوجود می‌آورد که سلاح هسته ای در کشورهای دیگر اشاعه نمی‌یابد . بدین ترتیب آژانس بین المللی انرژی اتمی به حفظ صلح کمک میکند .

آژانس مرکز اساسی همکاری کشورهای را بر استفاده از انرژی هسته ایست . دیدارها و کنفرانس‌های متعددی که آنها ترتیب میدهند ، سمینارها ، سمپوزیوم‌ها ، بروشورهای آنها همه برای کمک به تبادل تجربه به قیاس و وسیع است .

— همانطور که شما گفتید یکی از مهمترین وظائف آژانس بین المللی انرژی اتمی نظارت بر اجرای قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای بوسیله کشورهای است که آنرا بتصویب رسانده اند . ما ایلم از عقیده و شاد بر باره شریخی سیستم تضمین‌های آژانس در این عرصه و تدابیر و راه‌های افزایش این تضمین‌ها مطلع شویم .

— حالا بپردازیم به سال از رسمیت یافتن قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای و هیچ‌ده سال از زمان پامضا رسیدن قرارداد تلاتولکو می‌گذرد . هر دو اینها به ایجاد سیستمی کمک کردند که توانست بیزان معنی از اشاعه بیشتر سلاح هسته ای جلوگیری کند . عرصه عملکرد سیستم تضمین‌های آژانس بین المللی انرژی اتمی بیزان چشمگیری گسترش یافته است و میتوان گفت شرکت کنندگان به تدابیری که ما انتخاب می‌کنیم با اعتماد و اطمینان برخورد میکنند .

ولی باز نزدیک شدن سومین کنفرانس بررسی قدرت عمل و شریخی قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای (۲) نمیتوان نگرانی معنی را که کشورهای فاقد سلاح هسته ای احساس میکنند از نظر سردر داشت . تصمیم به پیوستن به قرارداد ، بدون تردید پاسخگوی مصالح امنیتی خود آنها نیز بود .

۱ — " قرارداد تلاتولکو " ، قرارداد قدغن ساختن سلاح هسته ای در امریکای لاتین است (سال ۱۹۶۷) . این قرارداد نخستین کوشش برای تثبیت وضع و حالت منطقه بدون سلاح هسته ای در بخش وسیع مسکونی روی زمین به شکل حقوقی — بین المللی است . امضای آن در وزارت امور خارجه مکزیک که در ناحیه تلاتولکو شهر مکزیک واقع است انجام میگردد . در حال حاضر قرارداد را ۲۵ کشور امریکای لاتین امضاء کرده اند که برای ۲۳ کشور از میان آنها شکل قانونی پیدا کرده است (بتصویب پارلمان هارسیده است) . هیئت تحریریه

۲ — باید در ماه‌های اوت — سپتامبر سال جاری تشکیل گردد . هیئت تحریریه .

در همین حال با پیوستن به قرارداد ها آنها امیدوار بودند که بعد از اکران مربوط به اتخاذ تدابیر مؤثر بسیاری پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح هسته ای کمک خواهد شد و بدین ترتیب به تحکیم امنیت خود آنها و امنیت همگانی یاری خواهد رساند . ولی وضع حقیقی امور با آن صمیمیتی جدی عده ای را بر میانگیزد . امیدواریم در سال جاری ، حداقل پیشرفت نسبتاً محسوس در عرصه خلع سلاح هسته ای آغاز گردد و مساعی بیشتری برای تأمین دسترس هر چه بیشتر به استفاده از تکنولوژی هسته ای برای مقاصد مسالمت آمیز و از جمله گسترش کمک به کشورهای در حال رشد میذول گردد .

در اسناد اساسی که برای کنفرانس آینده تهیه میشود دبیرخانه آژانس بین المللی انرژی اتمی تجربه آژانس را در مورد بهره برداری از سیستم تضمین هاتشریح میکند و تصویری کلی همکاری بین المللی در عرصه هسته ای و از جمله کمک های تکنیکی در رشته های کشاورزی ، صنایع و خدمات پزشکی را بدست میدهد .

به عقیده شما اهمیت اصولی موافقت نامه میان آژانس بین المللی انرژی اتمی و اتحاد شوروی در باره قرارداد برخی از مؤسسات هسته ای شوروی که از آنها برای مقاصد غیر نظامی بهره برداری میشود تحت کنترل آژانس بین المللی چیست ؟

پانزده سال ۱۹۸۴ با ابتکار اتحاد شوروی مأمور اکرانی انجام دادیم که هدف آن انعقاد موافقت نامه ویژه ای بود که در آن پیش بینی شده باشد اتحاد شوروی در اوطلبانه یک سلسله از مؤسسات و دستگاه های را که برای امور مسالمت آمیز از آنها استفاده میشود تحت نظارت و کنترل آژانس قرار دهد . ۲۱ فوریه سال ۱۹۸۵ این موافقت نامه در وین با امضاء رسید .

کنترل فعالیت های هسته ای کشورهای که دارای سلاح هسته ای هستند ، پدیده تازه و به عقیده من فوق العاده مهمی است ، اگرچه دایره چنین کنترل هایی فقط به مؤسسات اتمی غیر نظامی جداگانه ای محدود میگردد . ما همیشه از انعقاد موافقت نامه درباره تضمین ها با این قبیل کشورهای استقبال میکنیم . آنها دایره تجارت مادریزه بکارگرفتن سیستم تضمین ها را گسترش میدهند و نمونه های هر چه بیشتری برای تحقق تدابیر کنترل در کشورهای بوجود میآورند که دارای این قبیل سلاحها هستند .

— میدانیم که از تهیه و تدوین بسیاری از موافقت نامه های مهم در باره محدود ساختن تسلیحات و خلع سلاح (در عرصه سلاح هسته ای و غیره) و جلوگیری از میلیتاریزه شدن فضای کیهانی به بهانه عدم امکان برقراری " کنترل واقعی " ممانعت بعمل میآید . با توجه به تجربه ایجاد و عملکرد ساختار واحد کنترلی نظیر سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتمی شما در این باره چه میتوانی بگوئید ؟

— کنترل مانع اصلی برای تحقق بسیاری از پیشنهاد های مربوط به خلع سلاح است . سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتمی نشان میدهد که دشواریهای موجود در این راه را میتوان برطرف ساخت . بازرسی منظم و گاهی حتی دائمی مؤسسات در محل از طرف سازمان بین المللی تقریباً در سراسر جهان با استقبال روبرو شده است .

بمقتضی من بهنگام بررسی این مسئله که آیا سیستم تضمین های آژانس بین المللی انرژی اتمی میتواند برای کنترل کاهش تسلیحات هسته ای یا خلع سلاح مورد استفاده قرار گیرد باید نکات زیرین را در نظر گرفت :

— سیستم تضمین ها فعلاً فقط در مورد مؤسساتی بکار گرفته میشود که از آنها برای مقاصد مسالمت آمیز بهره برداری میکنند .

— این سیستم فقط مؤسساتی را در بر میگیرد که کشوری که آنها را تحت کنترل آژانس قرار میدهد معین میکند . احتمال نمیرود که کشورهای مستقل برخوردار از حق حاکمیت بتوانند به بازرسان (۱) اجازه بدهند که در سراسر کشور رجستجوی مؤسساتی که برای کنترل تعیین نشده اند آزادانه حرکت کنند .

ضمن مذاکراتی که در گذشته درباره خلع سلاح انجام میشود بارها مسئله امکان کاهش تولید فضولات تجزیه موازنها شناسایی اتم مورد بحث قرار گرفت . دستگاههایی که برای تولید این قبیل فضولات در کشورهای دارند و سلاح هسته ای وجود دارد یا کارخانه های ویژه ای که در آنها تولید فضولات در سوخت هسته ای که برای هدفهای مسالمت آمیز مورد استفاده قرار میگیرد (نظیر کارخانه های کوره مدتی است تحت کنترل آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده شده اند) فرق زیادی ندارند .

کوتاه سخن ، عملاً انواع بسیار زیادی از کنترل این قبیل دستگاهها مورد آزمایش قرار گرفته است . بنا بر این امکان تکنیکی برای تأمین کنترل محدود ساختن و یا قطع کامل تولید اسلحه و مهمات هسته ای وجود دارد . البته ، این امر نیازمند ایجاد سیستم تضمین هایی با اختیارات بسیار زیاد تری از اختیارات کنونی ما است .

با وجود اینها میتوان چنین نتیجه گیری کرد : اگر کشورهای دارند ، سلاح هسته ای واقعاً در جستجوی راههایی برای برقراری کنترل پیاده کردن بخش های مختلف چنین سلاحی برآیند ، در این صورت کاملاً منطقی خواهد بود که از شیوه های کنترل نقل و انتقال مواد تجزیه شده در دستگاهها که تاکنون از آزمون بدرآمده استفاده شود . آژان مواد هم بعد از آید یا برای هدفهای مسالمت آمیز بهره برداری گردد و باید رجای معینی ذخیره شوند .

۱ — طبق سیستم تضمین هایی که بر پایه موافقت نامه عدم اشاعه سلاح هسته ای وجود آورده شده است ، کنترل این امر که کارخانه های هسته ای برای هدفهای نظامی مورد بهره برداری قرار نگیرد ، اساساً کمک بازرسان بین المللی آژانس بین المللی انرژی اتمی ، یعنی متخصصینی که برای بازرسی دارای اختیارات تام هستند تأمین میگردد . هیئت تحریریه

خبرهای کوتاه

آرژانتین

جشنواره ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست آرژانتین یعنی روزنامه های " که پاسا " و " اکی ای آفورا " در بوئوس آیرس با موفقیت فراوان برگزار شد . شرکت کنندگان در جشنواره با عکس ها و انیماسی که تاریخ وضع کوشی مطبوعات کمونیستی و کار کمیته های منطقه ای و شهری حزب کمونیست آرژانتین را نمایان میساختند آشنا شدند . در محوطه برگزاری جشن نمایشگاه عکسهای مربوط به چهلمین سال سرکوب نازیسم هم دایر گردیده بود .

برزیل

کنگره ملی لایحه قانونی رای تصویب رساند که حاکی اوالفای منووعیت فعالیت سازمانهای سیاسی و از جمله حزب کمونیست برزیل است . این اقدام نتیجه مبارزه دراز مدت کمونیست ها و تمام نیروهای دموکراتیک کشور در راه برسمیت شناختن حزب کمونیست برزیل بود که عملاً طی تمام مدت شصت و سه سال موجودیت خود غیرقانونی بود و فقط دوران کوتاهی فعالیت علنی داشت .

ایتالیا

در ایتالیا انتخابات اداری برای گزینش ارگانهای خودگردان استانها و شهرستانها و شهرداری ها برگزار شد . حزب کمونیست ایتالیا در شرایط تبلیغات لجام گسیخته گسترده ای که احزاب ائتلاف راست علیه آن پراخ انداخته بودند در این انتخابات ۳۰٫۲ درصد آراء انتخاب کنندگان را بدست آورد .

کانادا

در تورنتو با ابتکار مجله " کمونیست و پوپان " ارگان تئوریک حزب کمونیست کانادا اکثریت آفرانس در مورد مسائل کاهش تسلیحات و خلع سلاح تشکیل گردید . رهبران حزب کمونیست کانادا و نمایندگان مجامع صلح دوست کشور در آن کفرانس شرکت جستند .

سوروز

دفتر مرکزی حزب کمونیست سوروز اعلامیه ای انتشار داد که طی آن دولت را به پیروی از منووعه و سرمشق زلاند نو فراخوانده است . توضیح آنکه زلاند نیهناد ر کشور را بر روی کشتی های امریکایی ناقل سلاح هسته ای بسته است .

سودان

پس از سرنگونی رژیم نمیری حزب کمونیست سودان که ۱۴ سال بطور غیر علنی فعالیت میکرد امکان یافت به فعالیت علنی بازگردد . نمایندگان آن در دیدارهایی که با شورای نظامی و سایر احزاب و سازمانهای سندیکائی، برای بررسی مسائل مربوط به تشکیل دولت موقت دوران گذار ترتیب داد همیشه حرکت جستند (دولت موقت در آوریل سال ۱۹۸۵ تشکیل شد) . در ماه مه حزب برای نخستین بار میتینگ کرده ای تشکیل داد که م . نوگود دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان در آن سخنرانی کرد .

ژاپن

در جشنواره روزنامه " آگاهاتا " ارگان اصلی مطبوعاتی حزب کمونیست ژاپن که در ساکائی حومه شهر آسا کا تشکیل یافت ۲۴۰ هزار نفر شرکت کردند . میتینگ که با اشتراك رهبران حزب کمونیست ژاپن برگزار گردید رویداد عده فستووال بود . آنان مردم ژاپن را فرا میخواندند که با قاطعیت بیشتری برای مبارزه در راه قدغن ساختن کامل سلاح هسته ای و پیشگیری از جنگ هسته ای بهسا خیزند .

وقت تشکیل کنگره ها معین شد

در بلنوم های کمیته های مرکزی تعدادی از احزاب کمونیست و کارگری که اخیراً تشکیل یافت زمان تشکیل کنگره های نهمی احزاب معین شد . یازدهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان ۲۱-۱۷ آوریل سال ۱۹۸۶ هفدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی ۲۴ مارس سال ۱۹۸۶، نوزدهمین کنگره حزب خلق انقلابی مغولستان ۲۸ مه سال ۱۹۸۶ بیست و یکمین کنگره حزب کمونیست اسرائیل در دسامبر سال ۱۹۸۵ .

دیدارهای احزاب برادر

« در روزهای سی و یکم مه و اول ژوئن سال جاری، بنا به دعوت حزب کمونیست آلمان، دیدارهای دیدارهای حزب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری اروپا در شهر برلین آلمان غربی انجام گرفت. این دیدار به بررسی وضع زنان کشورهای اروپای غربی و جلب آنها به مبارزات اجتماعی اختصاص داده شده بود.

« در آغاز ماه ژوئن سال جاری اجلاسیه نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی تشکیل گردید. در این اجلاسیه مسائل مهم وضع بین المللی و وضع جهان عرب مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. در اعلامیه مشترکی که به تصویب رسید نتایج عمده این بحث و مذاکره و ارزشمندی های آن درج شده است.

« پایتکار حزب کمونیست فرانسه روزهای دوازدهم و سیزدهم ژوئن سال جاری دیدار ۱۸ حزب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری اروپا در پاریس انجام شد. در این دیدار وظایف کمونیست ها در زمینه تعمیق بحران اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری و در درجه اول تشدید بیکاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

« در روزهای دوازدهم تا چهاردهم ژوئن در هاوانا پایتخت کوبا دیدار نمایندگان احزاب کمونیست کشورهای امریکای لاتین و حوضه کارائیب انجام گرفت. شرکت کنندگان در دیدار درباره بحران شدید اقتصادی که کشورهای منطقه با آن دست بگیریم هستند تبادل نظر کردند. آنها نگرانی عمیق خود را از وضع فوق العاده خطرناکی که در اطراف نیکاراگوئه پدید آمده و از حالت قابل انفجار در سالوادور ابراز داشتند و با مبارزه مردم شیلی در راه احیای آزادی و دموکراسی اظهار همبستگی کردند.

مکزیک

« دهها هزار تن از اهالی مکزیک در جشنواره حزب سوسیالیست متحد مکزیک که در پایتخت کشور برگزار گردید اشتراک کردند. در این جشنواره دیدارها و گفتگوها « میزگرد های متعددی ترتیب داده شد که مسائل و معضلات مهم دوران معاصر را آنها مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. جشنواره با میتنگ توده ای همبستگی با خلق رزنده نیکاراگوئه به پایان رسید.

جمهوری دموکراتیک آلمان

« صد ها هزار تن از ساکنان و میهمانان پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان در جشن سنتسی ارگان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان روزنامه « نیس و چلاند » شرکت کردند. در چهارچوب این جشن دیدارها و گفتگوها بین میان شرکت کنندگان در جشن نمایندگان چهار ارگان مطبوعاتی احزاب کمونیست و کارگری برادره از جمله مجله « مسائل صلح و سوسیالیسم » که در جشن حضور داشتند بعمل آمد.

یونان

« در انتخابات پارلمانی که سوم ژوئن در یونان انجام شد، حزب کمونیست یونان ۱۱ درصد آرا را بدست آورد و بطور کلی موقعیت خود را حفظ کرد.

هندوستان

« در جریان دیدار اخیر کیسان رهبران حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست (مارکسیست) هندوستان بعمل آمده در باره تشدید فعالیت کمیته مرکزی هم آهنگی هر دو سازمان که سه سال پیش بمنظور تحکیم وحدت نیروهای چپ کشور بوجود آورده شد، توافق حاصل گردید.

ترکیه

« کمونیست ها سایر نیروهای چپ ترکیه از تظاهرات عظیمی که نهم ژوئن در استانبول علیه لارتن قیمت ها، بیکاری و اخراج کارگران و کارمندان از کار برای کسب حقوق دموکراتیک ترتیب داده شده بود فعالانه پشتیبانی کردند. این تظاهرات از حزب سوسیال دموکرات ترکیه که یکی از سه حزب علنی اپوزیسیون بورژوازی کشور است سازمان داده بود. در این تظاهرات ۴۰ هزار نفر شرکت کردند. این تظاهرات بزرگترین نمایش نیروی زحمتکشان ترکیه پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ بود.

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۸۵ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and Information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 7 , 8 1985

میشود تحریریه و شورای مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب می‌شود:

اتحاد شوروی، آتریش، آردن، آرژانتین، اسپانیا، اسرائیل، جمهوری آفریقای جنوبی، الجزیره، السالوادور، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال آلمان، اندونزی، اوروگوئه، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ایران، ایرلند، برزیل، بریتانیای کبیر، بلژیک، بلغارستان، بلوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، پرو، ترکیه، چکسلواکی، دانمارک، جمهوری دومینیکن، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سوئیس، سوئد، سوئد، شیلی، عراق، فرانسه، فلاند، فیلیپین، قبرس، کانادا، کلمبیا، کوبا، گواتمالا، لبنان، لوکزامبورگ، لهستان، مجارستان، منولستان، مکزیکو، ونزوئلا، هندوراس، هندوستان، یونان.